

یادنامه

محمد رضا گلبرگ

بنیاد کتب و خط ایران در گنجینه کتب و خط ایران

مستوفی

محمد رضا گلبرگ
بنیاد کتب و خط ایران

از کتابخانه کتب و خط ایران

بنیاد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سازمان

مهری ۶۸

کتابخانه تخصصی
تاریخ و تمدن و ادبیات

اسکن شد

یادنامه

محمد رضا گلبر

بنیادیت مین سال در گذشت و بزرگ شهنوایی ایران

مسنمان با

دوینگر خوشنویسان
و دین هیرسری ین ایران

از شاربست خوشنویسان ایران

با همکاری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ساری

شهریور ۶۸



نام کتاب : یادنامہ کلمہ

ناشر : انجمن خوشنویسان ایران

تیسرا : پنجمزار

چاپ اول : شریور ۶۸

خط من و روی حلیہ : غلام حسین امیرخان

اسلاید : تہ پاتے

زیر نظر : گروہ انتشارات انجمن

ناظر چاپ : غلام رضا احمدزادہ

چاپخانہ : سکہ

فیلم سیاہ وید : لیتوگرافی بابک

مینم رنگی : مگاپرس

حق تقلید و چاپ محفوظ است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در گستره فرهنگ ایران زمین، خط و خوشنویسی بعنوان هنری اصیل و نجیب، عالمی مؤثر و پویا در نشر فرهنگ و معارف اسلامی جایگاهی رفیع و پایگاهی مسیّع و ارجمند را داراست.

خوشنویسی در بدیع ترین و ظریف ترین جلوه های زیبایی خود در مدرسه ادب و عرفان پسرین ما با نوشته های پندآمیز و حکمت بار بدرتس فضیلت و مبشر صدق گردار و سلامت پندارت که همراه و همراه فرهنگ غنی اسلامی مانده و نما نموده در هنر ملی ما بازتاب یافته است.

با آنکه نسل جوان با توجه به کسرتش و زرافزون چاپ و انتشار آثار بدیع هنرمندان هنرهای سنتی بدستگاه اندیشه و ذوق و سلیقه و دغدغه های نوغ ایرانی دسترسی دارند و نیاز طالبان این هنر از طرق مختلف تأمین میگردد لکن از آنجا که انجمن خوشنویسان ایران بعنوان مرکزی متعهد و مسئول حفظ و ترویج میراث فرهنگی و تعلیم هنر خوشنویسی بشمار آمده اشاعه فرهنگ و معارف در شان اصل

اسلامی ایران! از آغاز هدف اساسی خود شمرده و سعی نموده است هر چند گاه یکبار که بزرگی نگردد؛
 فرهنگ ملی هنری اقدام نماید. «با چاپ آثار نفیس هنرمندان بزرگ این رشته مانند مرقع رنگین، ۱۳۰۲»
 معرفی چهره های تابناک عرصه خوشنویسی ایران بخواسته های جامعه هنری نیازهای طالبان
 هنر خوشنویسی جواب مثبت بد. اکنون نیز بسیار مباحثی است که توفیق یافته است درآستانه
 برگزاری دومین مکتبه فرهنگی و هنری خوشنویسان کشور که بنام میرزا محمد رضا کلهر استاد بزرگ
 خوشنویس متاخر رقم خورده است کتاب یادنامه کلهر با مساعی اساتید و هنرمندانی که در سطح
 مختلف با حاشیج فرهنگی جامعه حوزه های آموزشی از نزدیک آشنائی دارند تهیه و عرضه نمائید انجام
 این مهم میسر نبود جز با حسن نظر و همت اساتید مجرب که نامشان بنیت بخش شناسنامه این کتاب
 که به خط غلام حسین امیرخانی به رشته تحریر کشیده شده با سعی و اهتمام ایشان زیور چاپ آراسته گردید
 همکاری صمیمانه مدیریت اجرایی و کرده مشاور و انتشارات انجمن در مدارک بموقع کتاب نقش موثر داشته
 در اینجا وظیفه خود میدانم که از دوستان ذوق و یاران همیشگی انجمن که در هر فرصت امکان بهره مندی
 از کجانبیه ذخائر خود را در جهت ما را انجمن تسهیل فرمایند سپاسگزاری نمایم.

انجمن خوشنویسان ایران

حزین

تقوی کل و قداست منیر

دلت بوسل گل لبی صبا خوش باد که در چمن همه گلستانک عاشقانه است
شیفتگی من بنده ناتوان این بنهر و ذوق کمال و ثریه خط زبا همگان دریا شده اند همه اند که من بنهر
دارم دوست «کوس این عشق و شیدایی را بر هر کوی بر زن چنان نواخته اند که موقت و نهان کنش
نه یارائی هست نه صلاحی و خداوند را پس این عشق و شوریدگی تا دم فیم منندون با
و اینک که آوردی تازه ز راه رسیده نوائی نوین بگوش جان اهل بنهر فضل در فاشاده و ذکر جمیل
میرازی کلهر خوشنویس بنیطیر شهر عزیز من کرمانشاهان در میان «المنه الله که در میکده باز بهائی

یشرین توفیق الهی است تا سرادقی بر آستان او نهم و مرهم از آنکه عاشق مرز و بوم بلند چه باک چه فحاری
به از این گمراه روزگار دست و پایش بخش چنین بزرگانی از همیشه دارد ؟

گرمین سخن نگویم در وصف دوی محبت آینه ات بگوید پنهان که بی نظیری

خوشنویسی چنین ندارد در طی چند قرن عشق و مهارت توجه و نظردقیق نوشته های استادان بزرگ است
استاد قرون میر عابد و باترین ندوم شبانه روزی دست از فرد و معاش کشیدن ممکن است پذیرد
آنهم مبداء الهی و ایمان قلبی و صفای درونی او و سپاس خداوند را که لطف الهی از چنین اقتضا فرموده است
که فطرت خدای انسانها شیشه و شیشه ای هنر و زیبائی باشد. همچنان میدانند که دین مقدس اسلامین
هنر و زیبائی است. روزه گارودی در کتاب خود «هنر اسلام» باب اول از اد اسلامین برپائی
نام نهاده است. در میان هنرهای پیاپی اسلامی، هنر خط از ویژگی خاصی برخوردار است که نه تنها هنر بلکه
عبادت است این امتیاز و ویژگی از آنجاست که سر و کار این هنرمند با کلام خداوندی احادیث پیغمبر
و ائمه معصومین و کلمات بزرگان مفاهیم عالیه مضامین اقیه در اکت بشری است. هنرمند خوشنویس در
بعدی معنوی جوی از زیبا و جلالها، حسن و خوبیها، عشقها و شفیقهها زندگی می کند. کاتبان بزرگ
خطاطان با نغمه ای که شفته و غرق در هنر خط و معنویت آنند غالباً انحصاری آراسته بلند همت، دلا
ربی است تا بال منال گوینی که با نسیاء و ولیاء و بزرگان مجشورند. رنگ نبوغ و جریتمندی در آن

در آنان تجلی میگردد، حالات میرعماد و میرزای کمرگوبای صادق بر این مطلب است، میرزادعین که
 بر قلعه استادی و قواعد پسندید بنک خود استوار و محکم ایستاده است، بر همه در کمال تقوی و تدین جفا
 خود بر اینان حرام و کفر نشنا صلیح نمی آید، نماز جماعت و غسل جمعی را ترک نمی شود، گردان دیوانی
 که با خون ستمندان و فحشاء عین است نمیکرد، «اتقوا طعام الأمراء فإنه يمحون بدم البغضاء» خونی
 مردی و مردانگی و شجاعت و غیرت ایل و عشایری، جوانمردی و هماننداری بزرگ نشی و رفعت با
 سید لطفعلی، و تقوای شخصی قد است، نه بر خود و در تمام حیات زندگی خود محفوظ نگه میداد.
 استادان محترم رفعت مقام و بعد از هنر او را تفصیل بیان میدارند چه بهتر که بنده هم به تقوای آن مرحوم و
 بر قد است مقام هنرش اشاره ای داشته باشم که کمتر بدان پرداخته اند.

اعتماد السلطنه، یاد حقیقت میرزا محمد حسین نصر و فی در الماثر و الآثار «چاپ خرونی صفحه ۷۰» چنین میگوید:
 در خط تعلیق بعد از میرعماد سندی بهتر از وی کسی انسان نداده اند... مردی درویش منش و خوش
 سبک روح بلکه گوی است محضری مطبوع دارد و طلعتی محبوب. با همه اشتها صیتش در آفاق و تقدیر
 بر کافه خطاطین علی الاطلاق هنوز از دیوان علی را تله ای نخوابسته و جرایه ای نگرفته است و برگ و شا
 معاش همی از اجرت کتابت می کند و بهنر باز و حاصل سرچرخه خویش روزگار میگذرانند. این شرح حال را
 با ترجمه مختصر یک سطر و فی خط طلی بلند آوازه و نامی که در همان کتاب قبل از نام میرزا آورده شده است

بسجید. به استی چگونه است که مقام نهی فضائل اخلاقی میرزا چنین می پست نماید بآنکه خیال کنی
 اعتماد است لطفه را با میرزا علاقه ای نبوده به همین جهت هیچ نامی از او در روزنامه خاطرات خود نمی آید
 زیرا میرزای بلند نظر و آزاد منش سر تعظیم به کسی فرو نمی آورد و بدین سبب با همان سر از تعلیم بچه درونه ها
 پولداران سر باز میزدست، تقوای میرزا اجازه نمی آید دست که از هر کس برجا پول نان قبول نماید
 و از هر کس ناکس که کاملاً به خلاقیات آنان آگاه و واقف بود دست کشد و گرنش و موضع کند، یا سر یاری
 و همراهی با وطن فروشان خانانی که با توارث خانوادگی تمام قد در خدمت بجا نگان بودند بنا شود
 که او معاشر با مرحوم آقا شیخ هادی سر دست زایدان آزادگان بوده و خود مرحوم حاج شیخ که علما و
 از مفاخر قرن اخیر ایران بود و به کمک جمعی از خواص اصحاب خود غل و فضل و دین مرحوم میرزا قیام نمود
 کسی که در یک هفته دو پسر خود را از دست بدید با آن همه لطافت طبع و ذوق با هر کم و بیشی بخود
 به این مضمون که اگر قربانیهای دیگری برای آستان دست لازم باشد با خوشحالی تقدیم می کنم
 (مجموعه یادگار سال اول - شماره نهم صفحه ۵۰، این انسان برستی آزاد و زبول تنعم لذت و مجلس
 موانست با ملکها و دوله هانیت. میرزا را کجا میتوان قیاس کرد با آنان که دوطاقی چون طوبیله
 در گوشه خانه ثروتمندی کبوتر باز بگیرند و به قطعه نویسی برای صاحب خانه سپردند و تیغ تولد پسرشان بزرگ
 با سیاه مشق قطعه کنند. میرزا از اشتغال در وزارت انطباعات سر باز میزد و به بت بلند ازاد

به اندک حق کتابه و مختصر کتابی شاعت می‌گردد و این شاید خیلی با از تقاضای دین و ایشا در راه آن
 یا هنر برهی سبب بندگان که ای طور نبوده است. دیانت تقوی می‌رزد و بلند نظری و تقدیس صفت نم
 مانع بوده است تا باز ندکی اعیان اشرافی که آلوده به انواع معاصی بوده است بسازد و می‌رزی که با
 و طعام امرار عجم با خون فقراء میدیده است کجا رغبت میکرد و شکم خود را از مال حرام مان پر کند.
 بقول عباس اقبال در مجله یادگار سال اول شماره ۷ تنها موقی که می‌رزی کلمه تاحدی حاضر شد که جزء
 دست‌گاه دولتی باشد در سال ۱۳۰۰ قمری بود که در سفر دوم ناصرالدین شاه بخراسان از نجم شعبان
 تا هشتم ذی الحجه ۱۳۰۰ شرکت نمود و روزنامه اردوی همایون ادر راه کتابت نمود. زندگی قافله
 می‌رزا مجال زیارتی به و نمیده است شاید رغبت زیارت مشهد و همسفری با ناصرالدین شاه
 اردوی همایون از این محاسبه نفی بوده است.

عباس اقبال در مجله یادگار میگوید: می‌رزی کلمه مردی بود بسیار پاکدامن و هنر دوست پاکیزه سیر
 و همان دست و بی اعتنا بدینا و تعینات آن. هنر خود عشقی خاص داشت و پیوسته کار میکرد
 و قطعاتی را که می‌نوشت اگر توهم می‌کرد که حرفی یا کلمه‌ای از آن درست از آب در نیاید بهیچ قیمت به دست
 بهیچکس نمیداد و نه از پاره یا سیاه می‌کرد و با آنکه بسیار تنگ دست در سائیه شاعت می‌رفت چه
 داشت با دیگران می‌خورد و اگر بغضای و ز خود طمینان داشت ممکن نبود که وادین بخانه خود طعام نخورده

از آنجا مُرخص کند. بی چنین بود دست و میرزا از عشق خاص خود پیوستگی شق کلاماً به موز خط پستعلیق و
 دالائی رتبه او کلاماً آشنامند بسیار دیر و مشکل پسند شده است، مناعت طبع و علم و هوش بسیار بود
 تا خط و طبع آب و نشت نه شود تا بدست ناهلان بهتری نیفتد. چقدر توان قوت نفس و اراده می نمود
 انسانی این قدر بهر مند و بزرگوار سالها شب و روز مدوم شق کند و نکات ارزنده خط را بدیدر می نمود
 بی آنکه کوس بهر مندی خود را به سر بر کوی بر زن بند و دنیا را از لاف و بلوف خود بپر کند و این بزرگ
 شایه ای است بلکه آنی و بلند نظری بهر دوستی او. خیال میکنم متانت و تقید میرزا به قیود کلاسیک خط
 پستعلیق و قواعد مقررده که بکثر از هم متخلف پذیرد بسبب بدست نامیرزا بطور مدوم شق پستعلیق فرمود
 اخترازی چسب بر زیر آرد و پاشد بوق گوهر از گلک بون آرد و در زیره کنای
 و به شکسته پیروزد. با آنکه خود از شکسته نویسان بزرگ و استادان درست خط شاکسته است. مثل آنکه
 اوست کلمات و قواعد خط پستعلیق چنان میرزا را بخود مشغول میداشت که مجال در چیدن و تفهین بگوین
 و بهر مندی از نگار نگاشتند است.

آزادگی و بلند همتی او خوبهسی بوده تا با موج مخالفان مقلدان پیروان کتب تبار و قرون میر عادی
 از میدان در زود مایه و سبب خاص خود را که نمونه بارز و بی نظیرش سر شق چاپ شده دیدگاه
 سال اول شماره ۷ ص ۴۸ است، جانشین شیوه سابقین کند، همانطوریکه میر علی حسینی

میرعماد سیفی قزوینی نیز شیوه خاصی عرضه داشته و تغییراتی بنیادی را در خط تعلیق بنیاد نهاده
و بر بجا نیست که او را ثالث میرعلی هروی می‌رسماد دانسته‌اند.

خداوند متعال رحمت کند میرزا را که دستنوشته خط او اگر چه بسیار کم است اما آنچه که هست چون یک زر
پرنده خوش بال و پر دست به دست می‌برند و اگر هر چه هم در از او سر بردارند خوشند که سیم و دوی چند
نا قابل داده و جان عالمی احسبند . والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

بنده کترین : مرضی الحسینی النجومی

میرزا محمد رضا کلهر

۱۲۵۴-۱۳۱۰

«تألیف در اثبات یحیی بن قحطان رسید اول کسی که
(باب...) به خط کتابت کرد...» ۱۱

از آنجائی که زمان مان خوشنویسی کتب بود میرزا هم که بهارج عالیه فرج کرد و در ناصرالدین شاه قاجار
من غیر مستقیم از دعوت بهل آورد و بود ولی با حلو طبعی که داشت از این دیکی پس نماندی و در
دست بود از همان او غیر مستقیم سینه میرزا فرعی بقول کلهر دعوت خود را تکرار میکرد میرزا یوسف
میرزا عبدالله ستونی و عباس خان قوام لدوله که هر سه از رجال قاجار بودند به این موضوع است
که میرزا اساساً از قاجاریه مخصوص ناصرالدین شاه تفتی می کرده و جز به حاج آقا محمد و حاج شیخ مادی
نجم آبادی مجتهدین بزرگ زمان ناصرالدین شاه بدیگری اعتقاد و اعتماد نداشته این اقرار بزرگی است
مستند از بی نیازی و عکاف میرزای کلهر همین قدر است که محمد حسن اعتماد در کتاب المآثر و الا
مینوید... هنوز از دیوان اعلی رتبه ای نخواست به جای ای نموده است بزرگ ساز معاش از اجرت
کتابت میکند و بهر باز و حاصل پنجه خویش و زکار میکند راند... و مثال اینها چنانکه میرزا محمد علی

معاون الملک کی دیگر از مردان قاجاریه سپهر اعیان خان قوام الدوله در یادداشت‌های خود می‌نویسد
 «... میرزا محمد رضا کله‌بر برای مشق دادن احمد خان محمود خان فرزندان من همچنین عبداللہ خان پیشکشی منزل
 میآید دست‌های او حجره مخصوص تیب داده‌ایم و ستمری نیز داده‌ایم و دیدیم در یکی از شب‌ها نزدیک صبح
 پدرم قوام الدوله برای کاری از خوابگاهش خارج میشود ملاحظه می‌کنم که پیش‌آن حجره میرزا روشن است
 از پشت پنجره بدون گدازی میکنند می‌بینم که میرزا در حالیکه به پشتی تکیه داده و قلم بدست پیش‌پشت دست‌ها
 هنوز چیزی از توقف پشت پنجره نگذشته بود که میرزا ناگهان باج و لاج از خواب بیدار میشود مشغول مشق می‌شود
 قوام الدوله بیدارنگ پس از اجازه وارد طاق میشود و چشمش که بشکفتای میرزا می‌افتد بی اختیار گویید
 ای کاش منضم صاحب چنین خط‌زیبایی بودم! کلمه فوراً جواب میدهد: «از عدالت خدا که امان
 خدمت و شتم و کسبک‌ها بشما داده است بعد بنظری سده که خط مرا هم شما بدید...» گویا خاطر ظریف میرزا این
 حرف و فحشای دیگر بسیار که رفته بود پس از چندی حجره ایشان ترک و بمنزل خود که در سلج بود
 می‌رود و دیگر هیچ‌چیز حاضر نبود که بمنزل کسی برود و بخصوص جلال قاجاریه بعد هم شاگردان اجباراً بمنزل میرزا
 برای مشق گرفتن می‌آمدند.

میرزا اقلیم کتابت بسیار تسلط و روان دست بود کتب دست‌نویس او که برای جلال قاجاریه تهیه شده مثل
 تقویم‌های متعدد و کتاب‌هایی چون مخزن الانشاء و فیض الموع بهیکی صمغی و دارای رستم تایخ هستند

مخصوصاً کتاب شفاءیه مؤخر میرزا حسین خان سپهسالار از سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به مرکز سال کنیزارد
دو بیت و هشتاد و نه در این آثار غیر چاپ گلی قدت طبع و قوت دست آن مرحوم دیدمی شود. مسئله ای که
نمی توان از ذکر آن صرف نظر کرد، تریشیدن قلم میرزا است نویسنده در سالهای قبل از ۱۲۲۵ شمسی مختصر
حاج شیخ اسماعیل و حاج شیخ مهدی نجم آبادی قلمهای تراش میرزا را دیده بودم ایشان قیمت چپ نهی
کناره قلم را بیشتر برمی داشتند تا خط بیشتر دست آتاین کند پشت قلم کتابت ابرنیده شده برای حکام
زبان قلم؛ فاق قلم را کو تا ماه میکرده، موی در لای شکاف برای جریان بهتر مرکب چاپ قرار میدادند
کار کردن با قلم برای اینکه فاق آن باز نشود با پوستیه بی از نخ ظرفی و آن زبان ای بسته درش
قلم گوشت وسط فتح را خیلی برنیده شده ولی جلوی زبان قلم را از طرف وجه بیشتر برمی داشتند که باز نشود
؛ همچنین نزد استاد ابریم بودری قلمهای میرزا را دقیقاً ملاحظه کرده ام.

ناگفته نماند که امرحوم علاوه بر خط نستعلیق که مرکز قلمش در کتابت و شقی بوده خط شکسته تعلیق
به شیوه مخصوص بنجو بسیار نیکو و شیرین می نوشت و این خور را اغلب فرامین ناصری دیده می شود یکی از
شیوه شکسته میرزا احمد خان معاون الملک است که صفحات مشق او عجب بنبیده و اداری دارد
از تحولات مهمی که اندکی پیش از میرزا محمد رضا کلهر در ایران پیدا شد صنعت چاپ سنگی بود که خود یکی از برگزین
عوامل ظهور و در گزینی در جامعه فرهنگی ما از جمله خط و کتابت بخصوص سرعت و کثیر تمام دست نوشته ها

بشمار میرفت مطرح کردید. این تغییرات که در خط مخصوص کتابت تعلیق نامان قاجار و ایران بوجود آمده بود
 کلیه خوشنویسان کسانیکه دست اندر کار کتابت و چاپ نویسی بودند همی از این تحول ابعاد داشته اند
 نمیتوان آنها را نادیده گرفت ولی اصطلاح کباده کش این میدان محمد رضا کلمه بود که تصرفات عمده و اصولی
 در کتابت خط و خوشنویسی افراد آن ایجاد کرد که اکنون مناسب فضیله زمان در عصر حاضر آن بود
 نو ظهور است بکتب میرزا محمد رضا کلمه ثبات یک الگوی مناسب نامان که ناچار هر پیشه در
 اجتماعی و نفوذ آن در تو دمای مردم بود در دسترس عموم قرار گرفت تا این استقرار و استمرار کتب
 تاکنون بشو دای کونا کون جریان یافته است سیله شاکردن این استاد با صفا و بی بدلی که از حقه
 صفای باطن ایشان از تمام خوشنویسان نامان خود برتر و فضل بوده است «مانند میرزا زین العابدین
 محمد شیرازی قزوینی» «ملک الخطاطین» و «کاتب شهیر قاسم ترضی برغانی» «میر خانی» و میرزا ترضی
 نجم آبادی و... بالاخره من غیرستقیم محمد حسین سیفی قزوینی ملقب بعماد الکتاب نامان عصر اقبال
 یافته است و اکنون نیز جاری و ساری است.

شیوه ای که از کتب میرزا برخاسته است: «شیوه عماد الکتاب» قبل از هر چیز لازم تذکر این نکته است که
 مرحوم عماد الکتاب در اجرای این کتب طابق النعل بالنعل در به من بسیار بزرگی داشته که خطوط و
 و برشهای کلمه بزرگ کرده بعد وی آنها را میکشیده است؛ خطوط اساتید و هنرمندانی که امروز در سطح جهانی

مطرح و مشهورند پیرایان آثار که کتب میرزا هستند. از گلستان بهنر ایرانی، خط استاد حسن میرخان، بشابه
 یک انگوی خاص بسیار شیرین، امر کتابت و بنجیره نویسی صفحه نمائی بدون هیچ تعصبی جلوه گری می کند
 همچنین خطوط خوش است اما معمر علی اکبر کاوه که علاوه زینبائی، صلابت و استواری خاصی همچون مندر
 در چشم بیننده صاحب نظر مدعی میکند وی اختصار خاطر سگوفامی شود، گوئی که خود در مراتب عالی
 بحکم قانون مجادرت باز هم مدعی معانی خط پر جذبه استاد سید حسین میرخان دره یاد کتابت آراکم
 بیاد میآورد که هر یک از کلماتش استوار و زیبا و به رحم الرحمن استغاثه ایشان علایم خیر ختم میشود.
 بهیگی این سروران که از مستشاران پایه گذارانی هستند که خود تحت عنوان سخن خوشنویسان ایران علم
 رسالت خط و خوشنویسی را در سرسرایان به دست داشته پیشرو و پیش بنده کتب میرزای کلهرند و غیره
 موضوع نوخواهی یکی از مسائل مهمی است که اغلب در پرس و جوی آن هستند از بسکه در مصاحبه های گوناگون
 از اشخاص و هنرمندان مختلف سوال شده است بیک پایدی تبدیل شد.
M (Maladie de Modernisme)
 از خوشنویسی کلاسیک و سنتی ما چه نوع تازگی و نوآوری میخواهیم؟ آیا میخواهیم چون میرزا سکاخ فوتاچی
 یا مرحوم قدسی شیرازی در زمان قاجاریه که اصطلاح دست بیک انسان زده بود یعنی بکنده نویسی
 که از حد قلم تجاوز می کند و جوار خط ناب مجروح و پتعلیق دست یازیده اند و این زده شود؟ یا تنه خط؟
 ان شاء الله که این چنین نیست با اعمال دقت کافی پی میبریم که خط هم مثل نقاشی و سایر مسائل هنر

خیلی وقت است که نوشته و از نوشتن بخصوص خط خوشنویسی پیش از یک قرن میگذرد. آری
 این نوشتن از سال یک هزار و پصد و ده قمری به بعد یعنی از زمان فوت میرزا محمد رضا کلهر رسیده
 یک هزار و نه بنام نقاشی خط نیز آن اضافه شده است که خود دارای متد و اثری مخصوصی میباشد
 «و جای بحث آن در اینجا نیست فرصت مناسبی طلب شد تا حق مطلب را داشت. آری بنیاد این تحولات همه
 ریشه در تاریخ دارند چه کننده نویسی چه نقاشی خط بخصوص نقاشی خط که نمونه های آن خطوط محسنه روزنوی
 و دورگردانی آن با سیاهی نقش خط در جلد سازی قرآن و جلدی موزه پارس شیراز نمونه نقاشی خط
 و کننده نویسی چون عبدالرحمن خوارزمی که صاحب کتب الف چهار نقطه ای مشهور است بکتابی که در نسخ
 همراه دو فرزندش بنامهای عبدلکریم و عبدلرحیم که در باستان بدو با آق قویونلو کوچه همه همراه
 ریشه های همین مسئله است. مجموع تغییرات و تصرفات فردی و اجتماعی در طول تاریخ هر ملت مثل ادبی
 را طرح میازد بناچار این موضوع بخصوص امر خوشنویسی باید به عمق و کلیت مقوله توجه کافی داشت تا
 دچار تعصب خامی نگردیم.

این دوران انصاف است که میرزا محمد رضا کلهر و مکتب او را نادیده بگیریم و همچنین منکر وجود ارتباط و
 دیوار چین بین جامعه قاجار و جامعه ما از ۱۲۹۹ به بعد شد و نیز نمیتوان منکر تاثیر صنعت چاپ
 سنگی در تحول فنی کتابت و قرآن و تجدید آید پیش مکتب جدید خوشنویسی کردید و نیمه نوآوریهما

در این فن ناویده گرفت نقش عمده معلم مکتوب شخصی چون سیرالمقفی بر خانی، ملک انجلیطین قزوینی
و مخصوصاً عماد الکتاب که در اشغال این مکتب روزگار ما و آثار مکتوب این است مآد که برای اولین بار در مطبع
مطبع شد و آن رسم المثلث نامی و بود به فراموشی سپرد.

اساساً می توان از لحاظ اجتماعی تسکیر تأثیر تکنولوژی در تبدیل یک جامعه صنعتی بیک جامعه صنعتی
این صنعت تازه چاپ سنگی بود که خود نیز باعث پیدایش تغییرات و تحولات جامعه بخصوص جامعه فرهنگی ما
و خط و خوشنویسی از یک جامعه صنعتی کلاسیک کم کم بیک جامعه نیمه صنعتی انتقال داد و خط و کتابت
مکتب قدیم کمرگز نمی توانست نیاز فرهنگی اجتماعی ما را تأمین کند. بتحول شدن سطح فرهنگی کشور و پیدایی
مدارس جدید و معیت یافتن و زافزون آن از زمین فرستن عمق آن و اینکه آسان بخوان آسان بنویس
و آسان بشمار شعار همه گیر و کتاب و کتابت در دسترس همگان قرار گرفت عصر سرعت در زمان شروع شد
چاپ چاپ نویسی و زمانه مطبوعات چه در زمان قاجار که صد کتاب چاپ سنگی و مطبوعات پدید آمد
چه در زمان مابعد بزرگی است و نشانه های دیگر کونی و نظور فن خط و خوشنویسی است که بحث درباره
آنها مجال جداگانه ای میخواهد.

صنعت جوان چاپ سنگی با شرایط مخصوص خود میدان آمد. کاغذ کاغذهای آمارمهره شده ر دیک و دیه
و نیم ورق و وزیر و سلطان خشتی بغلی، دستکی و غیره... مرکب اصطلاح بجن چاپ تند و
شتن

در زمان کم، کلفت نویسی منفرد نویسی تبدیل یک خوشنویس بطور تدریجی بسبب مایشین نویسی بازاری
 پیش پا افتاده و کم ارزش که همچون نوم درخت مار بازار قرار میگرفت، تمام زمائلی بود که یک خوشنویس بازاری
 با آن در بر بود، همی میدیم که در خوشنویسی باید مرکب چنان و کاغذ چنان و قلم و مکان نوشتن چنان باشد
 تا نویسد بتواند با صبر و طمانینه بعد از مدت های کتاب بنویسد آنهم اگر مختصر بنویسد و شاید به جایگاهش
 در خانه و کتابخانه بنگهداری و یا نموزه یا گنجینه ای دولتی بود و بیشتر جنبه سالنی میدی کرد و دسترس عوام
 بکلی خارج میشد و این کار برای هر خوشنویسی تیر نبود و از نمایگاه های امروزی که هم خبری نبود از چا خود
 در اختیار چاپ سنگی قرار میداد و اگر آن روز به صنعت چاپ تاحدی در اختیار خوشنویسها قرار داشت امروز دیگر
 خوشنویس است که در کف قدرت و نفوذ چاپ قرار داشته و در دو یا سه قلم مشتی هزاران نسخه خطی عبا می
 آری تمام چاپ نویسان و قلم بدستان باعث تظور و تحول نوشتن خط فارسی شده اند. ولی تصرفات
 اساسی و غیرت خطی زمانی زاده شده که میرزای گلهر به عرضه یید بیشتر این تغییرات توسط این مرد ایشا کرد
 باصفا بوجود آمد و کل یافت باعث پیدایش کتب او شد.

عوالت ماین کننده سرعت و کثابت عبارت بود از: کد اشن به اصطلاح گوشت بیشتر لم برای بطبر کردن
 و تأمین حرکت تند قلم و نیم گرد کردن نوک و وجه بان قلم باز هم برای تأمین سرعت حرکت و تسلطانی
 همچنین کثرت نویسی عدم ساخت و ساز و پیش اندن سریع قلم. کوتاه کردن میدان آن برای

٢٠

در جدید مواصلات کلفت تر و در گون شده اند، ولی در قدیم مواصلات نازک و بسیار ظریف بوده است
و وجه تفارق دیگر فعلاً مطرح نیست.

نوشته‌هایان بزرگی نگارندری خط خود پس از فراغت از چاپ بیسی بکتابت صحنی میسر نوشته اند چنانکه خود را
بنا بر متعدد و چاپی داشته اند. ۱- مخزن الانباء ۲- قیسی از دیوان مشهور و بی طامی ۳- قیسی از ریحانه آلاء
ذکاء الملک فروغی ۴- قالی ۵- قیسی از روزنامه شرف ۶- اردوی همایون ۷- منتخب السلطان سعدی
حافظ ۸- مناجات خواجه عبداللہ انصاری ۹- رساله غدیریہ ۱۰- فیض الدموع ۱۱- نصایح السکوک
خطهای صحنی دستنوشته نیز داشته اند. مخزن الانباء فیض الدموع در ۱۲۸۵ گاهنامه ما و تقویم
دستی صحنی خواص السور در حاشیه متن قرآن مجید و سایر نوشته‌های صحنی از تبیل فرمین و منایر
و عریضه‌های گوناگون نامه‌ها و مکاتبات در سید و قبوض که مرقوم میفرموده است.

در همین نوشته‌های صحنی و سایر نوشته‌های میرزا است که مکتب و انگار می‌شود؛ گویا که میرزا خود ابتدا
از مکتب میرزا عطاءستفاده مابرد دست ولی بی تعصب و برابر تر از میرزا عطاءستفاده اند. پیدایش مکتب
در آسمان نهر خوشنویسی ایران مخصوصاً در پنجم خورشید نوستان ایران توسط عطاءالکتاب و همچنین از خان میرزا
که بمباره مکتوبات میرزا را ملاک خود قرار داده بودند و همچنین شاکر دانی که در مکتب میرزا کار میکرد و چون
استاد علی اکبر کاوه مرحومان حسن ترین خط و از انیسیم بودری مرحوم ملک الخطاطین آقا سیّد تقی

بر خانی و آقا مرتضی خبسم آبادی همگی از اجله خوشنویسان عصر مکتب میرزای گلهر می باشند .
 یکی از موضوعاتی که باید بخاطر داشت اساساً کتابت صنعتی است که به اول قدیم بعنوان یک پوشیه نیز پذیرفته می شود
 کتابت کتاب به ای خود صاحبان مکتب و فرهنگ و ستان مجموعه ازان از زمانهای بسیار دور در حرکت خود
 ادامه داده است در مقابل پیدایش چاپ مقاومت می کرده است . سرانجام بعقت عدم ضرورت اجتماع
 و تفنن و جوش اکنون با اندازه ای از بین رفته است ولی قوی ترین این جبریمات عبارت از خود آما
 خوشنویسی میرزا علی قلی شیرازی سپهر میرزا یوسف شهباشی در زمان قاجاریه بوده است و می گفتم
 و میراث اردصال شیرازی فرزندان نهمینند و بحساب می آید و لهامات بسیاری از مکتب میرزا علی
 بهر آن چشم داشته است نویسنده یاد دارد که در حدود ۱۳۵۰ شمسی در محضر غریزی تقدیر زیادی از آثار مجموعه
 بزرگ تقی دانش معروف ضیاء شکر را می شنید که اکثر از کتابهای دست نوشته این است مابین ما
 که حاکی از شان مقام وی و آن آثار نشان آن بود . در لای صفحات کی از کتابها یاد داشت کوچکی بر خورم
 که روی آن نوشته بود : مکتب چاپ عجب مکتبی است صد حمت بر کتب خوان . این است مابین
 مطلعین می گویند فقط دو سه بار مکتب چاپ کتابت کرده است که معروف از همه ثنوی معنوی نوی
 دیگر خوشنویسان با قدر و منزلت همچون محمد حسین شیرازی نیز ترجیحاً آثار کراهنهای خود را با مکتب صنعتی
 بوجود آورده اند که امروز نام و اثرشان بی زینت کتابخانه ها و موزه ها : برای شناسائی و تقدیر

کار هنرمندان را و باید در زمان مکان خود با شرایط خاص اجتماعی و بررسی کرد و نباید تعصب داشت
و کیش شخصیت پرستی ایدئیه ساخت اجتماعی را بکمر بسته شد به کلی منکر تکامل و پیشرفت مادی و معنوی
گروهی و سرکردی انحطاط و عملاء مسئله هنر در جامعه انسانی شد و میرعماد را اولین و آخرین است
و والسلام گفت و نیز می توان گفت محمد رضای کلهر اولین و آخرین هنرمند خوشنویس است چنین است
نقش شخصیت هنرمند در تاریخ، آری

سخت گیری و تعصب خامی است؛ تا چنینی کار خون آشامی است

همانطور که پیش گفته شد هنر خوشنویسی در خدمت چاپ سنگی در زمان میرزا ابوج خود رسید و بود
می توانست نقش عمده ای در انتشار شیوه و مکتب میرزا ابوعبد و بکیر و میتوان گفت خطی که تا امروز خوشنویسها
و مشتاقان بر روی ناخن می نوشته و تعلیم می گیرند و سالها طول میکشد تا به اصطلاح مادر در هنر
شایسته ای در این هنر وجود آورد، مرحوم عماد الکتب برای انتشار این مکتب زحمات زیادی متقبل شد
۳۹ جلد رسم الخط های او حاکی از این اثار و رحمت و علم است و همچنین ابدان میرخانی سهم بزرگی
جامعه دارند.

محمد رضای کلهر پنجم در بارگشت از سفر مشهد به رض با که آن روز کار در تهران بسیار میکرد و در
۶۵ سالگی در ۲۵ محرم الحرام ۱۳۱۰ قمری چشم از جهان فرو بست و مرحوم حاج شیخ دخی نجف آبادی

برجازه آن مرحوم نماز گزار دو و در محل آتش نشانی امروز که میدان حسن آباد تهران واقع است میدان
ملک الملقین، و در آنوقت قبر پسران بود بجا که پُرسند. روانش شاد و خدایش رحمت کند.

عبدالله فردی
پستاد پنج خوشنویسان ایران
۱۳۶۸/۱

از کلام دیگران درباره میرزای کلهر

۱- کمتر و کمتر از او چلیپا دیده شد؛ یک قطعه منسوب با دو نمایگاه خطوط پستعلیق استادان بزرگ
در خانه نوره از طرف انجمن خوشنویسان ایران بنمایش گذاشته شده بود.

۲- مرحوم حسن زین خط؛ گویا این مژده کلهر، اساساً عضوی بنام قلب در بدن نداشته که یاد

آرام و دقیق در صلابت خیر می نوشته

۳- مرحوم عماد الکتاب؛ میرزا در عرش است و باد فروش.

از بهترین آثار میرزا کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان است که در سال ۱۳۰۴ نوشته

بهترین شاگرد میرزا، زین العابدین «ملک الخطاطین» قزوینی است.

مکتب شریعتی کلهر (در کتابت)

اولیای محترم و گردانندگان معتمدانم خجسته‌نویسان ایران از راه کمال خلوص نیت صفای طوینت ازین
خواستند که در باب بنک و شوه و نگارش خطاطی یکی از پستمارگان قدر اول آسمان شهر خویس را
یعنی میرزا محمد رضا کلهر ملقب به قدوة الکتاب نظر خود را بر نگارم تا در مجموعه‌ای که بیاد او درست تألیف است
درج کنند نخست ازین جنس طین و توجه به نگارند ای کوچک از نوی آن انجمن بزرگ شکر کنم و از سعی
عالیه و هم تعالیه دست اندر کاران اینگونه کارهای پسندیده منی تحجیل و تکریم مفاز علم و ادب منبر پس
می‌گرامم، و پس از آن آنچه را بطرف قاصد و خاطر فاتری سعد سر ضمه میدرم.

خط پستعلیق که گویا بدست خواجه میر علی تبریزی ابداع و اختراع شد پس از او بتوسط فرزند بر و محمد مسعود
بوسی کمال پیشرفت و تواتر کسب کونه‌ای نسبی نفع شده و به مانی دراز رهی ناموار و پر شیب و فراخ بود
و به پامردی و دستگیری خوشنویسانی خلاق و مبدع و مبتکر و مخترع رفته رفته بزرگ و کمال زدیک شد
تا اینکه بدست میرزا محمد رضای کلهر رسید که صاحبقرانی این هنر از زنده بنام نامی اسپم گرامی و

رُوح و رونق یافت. کلمه ناشی و مروج شیوه یکی است که پس از وی بنام او شهرت یافت و از بنابر
 و صاحب معرفت و مطبوع طبع و پند خط افشاد و از اسرارش و انگوی کار قرار دادند و ملاک خست و سبک
 اعتبار ساختند شیوه یثوره او در کتابت نسخه ترسین و زبده ترسین شیوه داشته شده باید آن نوعی
 کرامت و عجاز شمرد. عده ای از صاحب نظران عقیده آنست که وی پس از میر عابدی چندی نگذشت
 حتی با وی همپایه و همراز است. کلمه خود مبدع و مختصر قالب و انگاره خط بدان سبک نیست و در
 کوچک نویسی و دوازده و کوتاه نویسی بدات نخستین خوشنویس به شمار میرود زیرا در چند قرن پیش از او خوشنویسان
 بآب شاه صفهانی و سلطانعلی مشهدی و خود میر عابدی چندی در این راه کامیابی نخته و سنجیده شده اند
 که از آثارشان پدید و پدید است با وی بساطت قریحه و سبک و ذوق نوآور و شیوه جدید نوید خود را
 استفاد و مجموعه رسوم و آداب و تجارب مشقات همه پیشقدمان پیش ازین گمان یافت تا با
 قدری گوشت آلود کردن و تمسک و نوک خامه، یکی نو و شیوه ای تازه بدیع کند که از لحاظ محکم و جدایی
 تا آن زمان کسی انصیب نشده بود. وی و قلم را به گونه ای متوسط یا بحریم تر از شیوه گوشت آن پیش کرد
 و تنها کسی بود که در فن کتابت خط را چاق و گوشتنا و نوشتن بدان پایه و پایه زیاده و زیاده
 خوش سبک و اسلوب در کرسی ترکیب مناسب سازگار که هیچیک از قیدیان متوسطان و متاخران
 دسترس نیافته بودند.

البته پایه و بنیاد این کار بر روش میرعماد احسنی بود ولی فزون کاستیهای سلیقه و ذوق مبعود
 بلکه کلمه و چاشنی خاص حکایت کشتانست هنرمند همراه با نبوغ و خلاقیت فکر و اندیشه توانا
 موجب شد که شاید ریخته و بخیته خانه سحر آفرین و محب رنگاروی جلوه های تازه و نوآورانه پخته پخته
 هر هفت کرده بر سر بازار آید و از سیر و جوان عارف و عامی در دین برآید.

میرزای کلمه بهشتاوت آثار زنده ای که از هنر و ریاضت و مساکاریه های خانه سحر آفرین کلمات گنجینه
 بر جای گذاشته بی شک در ب در قرن اخیر و در آسمان هنر ستاره قدراول است که لمعان و جلال
 و بجز او به دور و نزدیک و شنی و جلالت است. هنرمانی و ذوق آزمائی او از امور لایعنی
 یعنی وی در پدید آوردن هنر خود تابع مکان و زمان و هیچگونه قید و شرط نبود و در هر جا و هر زمان به حال
 و در هر وضع با کمال توانائی در سائی خط می نوشت چه در حضور چه در سفر چه با وجود اسباب و
 چه بی حضور تهیات و تدارکات هنگامی که ناصرالدین شاه قاجار به شرف و زمامه و قیام قیام
 و باجری اردوی همایونی را در راه سفر و بانهایت نیبائی می نوشت که با سحر معجزه پهلوی میزند در حالیکه
 میزدیم خوشنویسان اسام معروف و عادت مألوف برین است که محل مانوس و با اسباب کامیول
 خود به قلم نمی سپردند و اگر این شرایط نباشد و جایگاه خطاطی و بساط کارشان تغییر کند از هنرمندی
 بازمی مانند و اثری بر جای نگذارند، میرزای کلمه برخلاف این رسم متداول و متعارف در هر موقع

مقام و باهر از ارباب و اسباب کار آماده ابراز قدرت بود حتی با آن مرکب چاپ کذایی که مانع بحن
خلقت داشت و کتر کسی قادر بود با آن نوشتن بطری برپا دارد .

از جمله شاهکارهای بیابستهای او باید تقویم های فنی متعدد را به شمار آورد که برای ناصرالدین شاه تعلیم عیار
می نوشت و دیگر سفرنامه ناصرالدین شاه بخراسان است که عید و بدیل ندارد و بدین نظم کشیده نگاشته
میرزا غلامرضا صفهانی شمرده که در همان عهد در این مریسه کار را به پای می ساند که خوشنویس قبل
بعد توانست آن اعمده کفایت کند . اما باید یک نکته را از خاطر نبهیم . کلمه بود و گوشت پس
زیرا از او جز کتاب (خط ریز) آنهم در حد اعلی و درجه قصوی و چند قطعه و مقداری سیاه و مشی مربوط
دیده نشده است و کوئی اساسا قطعه چلیپا و خطوط درشت جالب نظر نداشته باقی نمانده است .
کلمه در خط شکسته به تحریر بود و نمونه آن در کتاب مذکوری من تألیف عبد الله مستوفی دید می شود که پیش
هزاران ه و آفرین تمجید تحسین است . (جلد اول - چاپ دوم - مقابل صفحه ۲۴۰) و
جاء دارد که پس از این همه سخن از هنر خوشنویسی کلمه ای نیز از خلق و خوی حبیبی و فضایل و مکالم
کشف شود که آن از دیگر کلام مجرب و مختصر و کم لفظ و پر معنی خلاصه می کنیم . کلمه در دوره زندگانی ه
ساله خود هرگز کاسه زرین بی نیازی ابر کینه چرکین گدایی است بدیل نگار و شمع صابون غنی نصیب خوشنویس
دست طمع چو شش گمان می کنی دراز . پل بسته بی که بگذری از آبروی خویش

با وجود سگد پستی مضیقه مفراط مالی هرگز دست تنه به سوی شاهزادگان اعیان اشراف و غنیها
 و توانگرانی که در خط نویسی و حلقه شاکردن ادب بودند دراز نکرد. پادشاه من قناعت فرمود منوطه کوهر
 غرمن قلع ذل من طمع، رسول اکرم و پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله را آویزه گوش خست.
 خط در زمان بابا پناه داد ز همان و شمس بک کلمه و به ستیاری چند تن از استادان زبده
 کنونی به سوی ترقی ترکیبی به اصطلاح روش نمایشی نمایانگاری پیش میروید و رواج میابد ولی باید
 از آن بنبیناک بود که خدای ناخواسته بر اثر تندروی و بمبالغه به انحراف و عوج جاج کشانیده و از
 کاسته نشود. و نزدیک شدن بیک اصل ما را از اصول کلی دیگر دور سازد. این شاهانه

بهار کیمیا روی صد رشت و هشت

علی احبیری

[illegible]





شعین و سپهرین لایات محرومه فرستاد که از انحراف رسول و تقویم رامن بعد موشخ و نرین بخار شش این تاریخ نموده بنای نظم و ترتیب این
تقویم را بر آن بگذارند و بکرات داری عالم آراسی اقدس حضرت قلل لاهی چراغ خدا کند ایداته تعالی و آید دولت و سلطانه و اعراض علی لایان
بره و احسانه الی یوم الدین بقی محمد پسید المرسلین

و الله اعلم بالصواب

لا اله الا الله





قوله من طالع العلم مع مدح في التوفيق الحكيم
جسد احكامه اليه مع هذا احكام الامم ازمنه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



از مجموعه جاکشای قاجاریه

موزه
ایستادگی ملی

چونست حال بستان ای باد نو بهاری

کز بلبلان برآمد نسیم یا و بهت براری

آغاز نغمه کردند بر خان معشراری

از فیض ابرویان شبنم رنگ فرسوی

بر خیز تا من تو بر طرف جویباران

ای شبنم در چرخ بکشا بکاروان

پیوسته آهوان را شیرین بکاروان

چون شاه نامه رسیدین که یک خم کند

ای سخن قوت ای معدن فرو

صبح امید عشاق و دانه زبانه

از خلق همه در عالم قطع امید کرد

بر و پستان کو راست از دست چرخ

ما چشم بر تو داریم فی چشم بر عطیات

دفعی و بر تاج حسن مانده است دید کام

از خا و عافیت صد خار غم برد

زین شد گلنی کاکت ز پری لسان

کوی که غنچه یک گفت از باد نو بهاری

سبل سب و روش از ناله تباری

کام دلی بباریم با هم ز روش

کم بستان برف بیچاره بر صاری

شیران شکار کسید این آهوی شکاری

بر حلقه گاه قراک صد شیر کاد زاری

ار جو کشت با جیبی ان ترسم افتقاری

یا خدایا امل شد شام هجر و خواری

چیز بر در تو نبود ما را امید واری

بخت تو راحت جان بند تو پشیماری

راه تو می سپاریم تا روز جان ناری

آیا بود که روزی آیی ز بنگسار می

آه ز روی رحمت انداز پاره خدای

و انم ز شعر شیرین رخ از لک براری

اگر علی آید از تو صحرای تنگ بر سر خا و عافیت صد خار غم برد
اگر علی آید از تو صحرای تنگ بر سر خا و عافیت صد خار غم برد
اگر علی آید از تو صحرای تنگ بر سر خا و عافیت صد خار غم برد

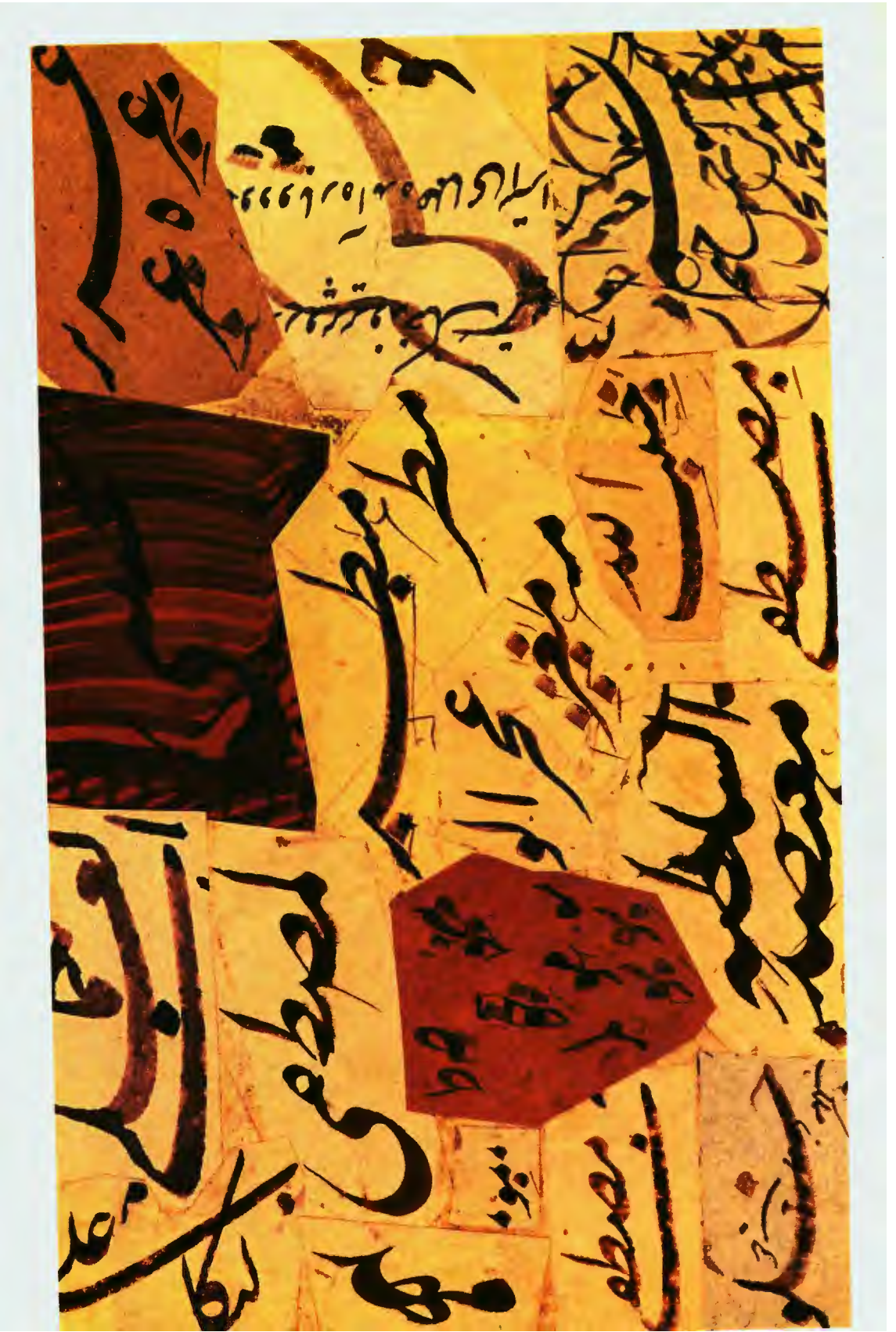
۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

This image shows a detailed section of a manuscript page with Persian calligraphy. The text is written in a highly decorative, cursive style (likely Nasta'liq or a similar script) using black ink. The characters are tightly packed and feature elaborate flourishes and loops. The paper is aged, showing a warm, yellowish-brown tone with some visible texture and minor staining. The overall composition is dense and visually striking due to the contrast between the dark ink and the light paper.

نواب الاسلام الطم

[illegible]





[illegible]

[The page contains dense handwritten Persian calligraphy in Nasta'liq script, which is mostly illegible due to extreme fading and bleed-through from the reverse side.]

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript page. The text is written in black ink on aged, yellowish paper. The script is dense and cursive, characteristic of classical Arabic calligraphy. The text is arranged in approximately 15 horizontal lines, though some lines are more compressed than others. The ink shows some variation in thickness and color, suggesting it may be a reproduction or a scan of an original. The overall appearance is that of a historical document or a page from a classical text.

Handwritten text in Persian or Urdu script, written in a highly stylized, cursive style (likely Shikasta or Nasta'liq). The text is arranged in several lines, flowing diagonally across the page. The ink is dark brown or black, and the background is a light, aged yellowish-brown. The script is dense and expressive, with many loops and flourishes. The text is written on a rectangular piece of paper, which is slightly tilted. The overall appearance is that of a historical manuscript or a calligraphic work.

[illegible]

[The page contains dense handwritten Persian script, likely a continuation of the historical or administrative record from the previous page. The ink is dark and the handwriting is cursive.]

از محمد جناب آقای جابا

مجلس علمیه
در شهر کابل
در روز دوشنبه
در ماه ربیع الثانی
در سنه ۱۲۸۵
الحمد لله

و آنجا منی در بر و جوید که ایجاد یافته بود در مجرای
خبر و ذات قضیه صفات ذری در سطح عالم و صواعق اهل عالم سال
بحال از در بیداری و سنبل غنیمت و تالافه عباد
در این است بیانی ادبی است از خود و در این غنیمت ان غنیمت شریفه و
است و او کند که
اجواب است از حضرت امام علی و در نصایحهای که در جوت افند
در این دو عالم
با نام و کلمه
و جوید و قدس سرور است و این است که در این عالم و در این عالم





خاندان، زندگی ابن‌الکثیر

نکته ای بود از دمان هر سینه آن آمده عالمی بود از مسانی در حدیث مختصر

ایل کلهر از ایلات بزرگ کرد و در کوچه پایه های زاکرئیس که از دیر باز مرزداران عیسویان بود ماند از عصر قیام
اغلب حکام بغداد از بزرگان این ایل اشخاب می شد و در دوران تسلط افشاریه سواران کلهر پیشروان
نادر قلی متخلصی بودند که برق تبریز آنان فاتح افشار را از اثر شعله نجف ساخت و طلوع و کینند
ایلات و نند در قلی حایت کلهر قیام روزه فقرت و در اجانی تازه بخشدند و قلعه نادری کرمانشاهان را مستحضر
ساختند و با ظهور خواجه تاجدار دمی بالله قلیخان بنکته و پس با عیوش حاج علیخان مشهور به پسر داری از حد
و لغو برداشتند و چون محمد علی میرزای دولت شاه از سوی پدر سرحد کرمانشاهان را اگر کسی ایالت خویش
ساخت در رکاب او صحنه تیغ را آنکار کردند و بر سپاه متجاوز عثمانی مردانه یورش و بیست حاجیان
وجه تسمیه خویش را از آنجا یافت که هفت برادران حاج کلهر که فرزندانشان حاجی اداکان معر و فند

در آن ننگه داد مردی اوند و بنامشیر سلاح آتشین از توپجیان ترک عرب گرفتند و در آن پناذ و این
به عنوان فاتح عراقین یاد شدند .

در عصر حکومت محمد شاه قاجار، ایلمانی کلهر بنده محمود پاشا خان نوچهری بود، وی مردی شاعر و
از مردان میر مصنوم علم شاه به شمار میرفت در این ایام طایفه عثمان کی از بیت چند طایفه اودقا
برتری کردند و برخیزه خرگاه ایلمانی یورش نمود و عزیز خان یا ورخان محمود پاشا خان اقبال
و دیگری خوین ملی برای رسیدن قدرت آغاز کردند از میان جوانان زبندگان این آنانکه در پی
نمودند، خوی پلنگی را که ده صفای دیار بگذاشتند و بد صلیح در میر غربت گذاشتند، و بنامش کربن
سجاده تعلیم نهادند و نعره بفرستیدند و در وادی هنر و عرفان بحکومت جاوید رسید، میرزا
فرزند محمد رحیم بگیت سر دشته سواره فوج کلهر و طلماسه تعلیخان حدت، فرزند رستم خان
بر و در طایفه خان هستند از آن جمله :

طلوع و هجرت

میرزا رضا به سال کنیزار و دوست چل و پنج هجرت در میان ایلم کلهر ناحیه جنوب کرمانشاهان که به حد
خانیقین ادامه دارد دیده بجهان کشود پدرش سر دشته سواره فوج و برادرش نور علی بگیت پس
هجرت میرزا کار حکومتی گردید، در میان ایلم قائم مقام پدر بود، ایام نو جوانی رضا بگیت به وطن

فنون زم و سواری گذشت در دگر نیهای دقیقه قبل مجانی خنسی داشت که تا آواز عسرها
کم شنوئی او کردید چون برسم متداول ایل پس از فراغت از طین خبر بشیر ترانه صریق را
استنساخ نسخ شاهنامه و نموده ثنوی را بخش حیم آید می ساختند از روی میل و قریحه شخصی و
ذاتی و رغبتی که به شق خط داشت و فصلی از این آدی ادرز بدنی اعوام خود کام زده بود پس در نهایت
در تهران نزد میرزا محمد خوانساری شاکر و آقا محمد هندی مصحفی که کتبه «ازاره» ایوان مسجد امام
«شاه» تهران بخط اوست بشق پرداخت رضا بیک میرزا رضا معروف شد.

از میان ایل کلهر در عصر ادب هنر بزرگانی برخاسته اند که در عالم شعر و ادب آوازه شهرت و حجل
آنان استون و مجمع انصاف ای بدیت، حدیقه اشعراى حاج میرزا احمد دیوان سکی، فضل التوبخ
افضل الملک، تذکره عبرت نایبی، تذکره اشعراى کرمانشاه و... دیدوشیند آقا در سلک شاعران
این ایل که به سبب درى از سواد اعظم پادشاهان خطه خراسان و بغیر آیام و پرده ابهام مانده چاست
که چون بیان کمال خورشید شنوئی منظور است از شاعران شیفته مجوز یاد آوریم و تنی چند از آنان را
به اسم و رسم بشانیم.

۱- ابراهیم خان کلهر فرزند محمد خان از شاکر دین مرحوم میرزا محمد علی افشار کرمانشاهی که مرحوم کتربانی
در جلد چهارم آثار و احوال خوشنویسان دیف ششم بانام ابراهیم کرمانشاهی از او یاد می کند و می نویسد

از او دیده‌ام یک رقه مذہب نسخ کتابت کتابت خفی... آثاری بپایین شکسته هم دارد...

۲- رضاقلی خان کلهر منزه زنده مرحوم حاتم خان از وی آثاری بخط پستعلیق موجود است بنابه اهلما

معمرین خاندان منشی حاج میرزا آقاسی بوده نامور شیرازگردید و در آنجا وفات یافته است.

۳- رضاقلی خان کلهر منوچهری معروف بمنشی باشی فرزند مرحوم آقاخان در ایام شهاب منشی آقا

اسد زاده امام جمعه بوده پس از فوت آن مرحوم ۱۲۲۴ به تصدی ایشان در شهر بندری عثمانی منصوب و خط

نستعلیق شکسته نستعلیق تحریری اعلی نوشته است.

۴- حاج باقر خان کلهر منزه زنده مرحوم مصطفی قلیخان دیوانگی برادر فضل الشعر حسینی قلی خان ^{سلطان ۱۲۰۷} _{۱۲۵۰}

خط شکسته و نستعلیق در خوش می نوشته آثار خطی ایشان در جناب حاج محمود خان بیان موجود است.

۵- حسین قلیخان سلطان کلهر منزه زنده مصطفی قلیخان دیوانگی ۱۲۰۷-۱۲۵۰- بدایت و مجمع النصاراء ^{این} باره

نوشته است، از سنس بنی قه و از بدایت بی رسیدن روزی هزار بیت می نویسد در نهایت خمی

از آثار خطی او دیوان تصانیف در کتابخانه آقای احمد توکلی و کتاب عقد ثریا تالیف و تحریر او در کتابخانه

آقای مادی رافع.

۶- حاج محمد صالح خان کلهر از اساتید سلم خط نسخ که مرحوم آیه الله حاج سید جواد نجومی از شاگردان حنبه

بشمار است... قطعات خطی او در مجموعه استاد و لا حضرت آیه الله نجومی موجود است.

- ۷- زین العابدین خان کلهر فرزند مرحوم علیرضا خان از شاگردان میرزا محمد علی افشار طبعه ای خط نسخ
عالی از او با مضامین حرره زین العابدین کلهر تاریخ ۱۲۹۹ ق. موجود است که اتی ز طرفت و حکام است.
- ۸- عبدالباقی خان کلهر نسله زند مرحوم علیرضا خان از خوشنویسان بنام شعلیق از امارادوستان
آقا عبداللّه آل قاسمی ۱۳۴۹ هـ ق. در مقبره معروف به قادر کرمانشاهی باشد.
- ۹- علیقلی خان کلهر فرزند آقاخان، مرحوم دکتر بیانی در بخش دوم حواله آثار خوشنویسان تحت عنوان
علیقلی خان کرمانشاهی درباره او می نویسد: سپهر گوید که پستعلیق را خوش می نوشت از سگته برده بی
داشت و شعر می گفت بیال ۱۲۷۰ درگذشت.
- ۱۰- فتح الله خان نصیرالدین یوان فرزند حاج محمد صالح خان کلهر از شاگردان پدر بوده نسخ و پستعلیق و
خوش می نوشته بیال ۱۳۱۶ درگذشته است.
- ۱۱- لطف الله خان کلهر نسله زند مرحوم حاج محمد صالح خان کلهر از شاگردان پنجه پد بوده خط نسخ را
عالی و شکسته خوش نوشته است.
- ۱۲- محمد باقر خان کلهر نسله زند میرزا آقاخان از شاگردان میرزا محمد علی افشار کرمانشاهی و تحریر خط
نستعلیق و سگته بوده و پست نوشته بایش گوای است که در کرسی بندی خط مزبور پستعلیق خاص داشته است.
- ۱۳- محمد صادق خان کلهر نسله زند محمد اسماعیل مرحوم دکتر بیانی در جلد چهارم حواله آثار خوشنویسان

صفحه ۱۷۰ در باره اومی نویسد از خطوط او دیده ام؛ یک قطعه نسخ کتابت جلی در قاع کتابت مخفی متوسط
 بارقم حرره لاثم العبد المذنب... محمد صادق شیرازی المعروف به کلمه و اشوبه که مانشای تاریخ^{۱۲۳۵}
 جزء مجموعه مرحوم دکتر بیانی و بنا به فرموده حضرت استاد نجومی قطعه ای نیز بخط نسخ در نوزده هزاره ای ثبتی در
 ۱۴- میرزا محمد علی کلمه سرزند مرحوم مصطفی قلیخان دیوانگی خط پستعلیق و شکسته تحریری از خوش
 می نوشته از آثار او کتابی شامل اخلاق و لاشراف خواهد چند ساله دیگر در کتابخانه جناب آقای
 یدالله بنزاد و کتابت باعیات ختام.

۱۵- حاج نعمت الله خان پویان کلمه سرزند مرحوم محمد حسین خان خط پستعلیق و عالی می نوشته و
 شاکر دین مرحوم میرزا محمد حسین کاتب اوصاف و لاشراف و ده در نگارش شکسته تحریری مهارت تمام
 داشته در سن ۷۹ سالگی بپال ۱۳۲۹ بدزد و حیات گفت.

میرزا محمد رضا در چنین سلسله ای پرورش یافت و به قبیله او عالمان دین و دانش و هنر بودند
 و اتی او خورشیدی بود که ستارگان او ساخت و مایه مباهات و سر بلندی اقران دید، حدیث
 سرشتگی برادرش در باره اهل قلم بودن او با آنچه گذشت تهنیتی بیش نیست و در جای خود پاسخ آنرا
 گفته ام.

کلمه و ابداع در خط نستعلیق

و اگر کوفی و نوآوری در هنر زمانی مقبول صاحب نظران افتد و اشاره شایسته صاحب بنیدیه ثبت یوان
 جاودگنی رسد که عامل آن در فن خویش علم باشد و نجاست که توسن اندیشه اش فضای پشناخته
 درمی نوردد و خالق حرکات و ترکیباتی نو و شکفت می کرد و جهان موانع توانا و ناتوانان توانست
 سیارات اُشت سر میگرد و در به حله ای صعود می کند تصویرهای تحریر پیر پنجه و تجلی انوار جانان است
 که گوئی مرکب حبش بجلوه لطافت و زیبائی خویش طرافت و کمال قریشی میخشد خوشنویسان و الهیه
 تعلیم خط را بر اہم کام با تجلی از خط باطن آغاز میس کردند و سلسله اجازات علمی عرفانی آنها کاروانی
 از بزرگان دین و ادب بر می گیرد که سندنشین مقصد طالبان بوده و پیاله وحدت از کف ساقی کوثر قضا
 و در سرالمنی که بقول بابا الف قدسی بر می آید شخصیت نامی جامع الشرایط این قافلہ رسالار و
 که بتوفیق سبحانی رضائی از سر و غریخ ساقی را در نظم گردش سحر کلک بهره مند و بنمایانند
 اگر کنند اندازان از فترت کجاست برآورد و روش مصطفی نیشان نامور ثبت اذمان حضور میگردد
 و جاود می خواهد شد. پس از شهادت حضرت میر عابد الحسنی قدس ستره فرہنا بعد چون دورہ ایشاد
 به اُسوہ تقوی و قناعت و شجاعت استقامت میرزا رضای کلمه رسید سالت خود اہ انجام
 و طرحی نو در افکندہ است تحول نو. بعد تنہ پستونی شاکر دبا و فای امینوسید؛ میرزا رضای کلمه

همان اصول میرعمادی است که دلی سلیقه دانی در کوتاه کردن مداد و کوچک و ظریف کردن و انبساط
 همچنین تغییراتی در سایر ترکیبات حروف در این خط وارد کرد. البته عمومی شدن اسلوب جدید کلاً
 آسانی نبود زیرا پس از خطاطها که عموماً به شیوه میرعمادی می نوشتند مستلماً با این شیوه جدید ضد
 می کردند. ولی میرزای کتیرا این حرفها از دم دوزخ رفت و شیوه خود را ادامه داد و بالاخره توانست خود را
 به این درجه برساند که شیوه و اسلوب داور در شرق خط پستعلیق شود و یکی از آن جهت باشد. امری
 شیوه او از شیر عادی جلوتر افتاده است.

دکتر بیانی می نویسد: آنچه مسلم است اینکه میرزا رضا پایه خط پستعلیق را در جانی نهاد که پس از او کمتری
 از خوشنویسان اوست. اده در واقع شیوه تازه ای در پستعلیق آورده که پیش از این کس آن تکلیف
 نشده است.

دستیابی چنین مقامی در هنر حاصل نهم است که نمارست مداومت و تحریر تحقیق است برای هنرمند
 مجتهدی که در مدت چهار ساعت شبانه روز جزو ساعت برای انجام عبادات و استراحت و نظافت
 بجهده ساعت باقی را در جهاد بزرگی عملاً این فن میگذرانید. است بی توجه به نیازهای دنیای
 مادی حتی از مزایای اهل بیت در نهایت قد است در پیرکاری با جذبه حال صریح است در اطنین قلب ذکر
 هم او از ساختن آنچه بر زبان خامه می نشست حرفی و بر خطی و بر کبشی و صندوقی و نرولی نوشتن گرفته است.

زیبائی اوج بود و در عالم صوری برتر از آن تصور نبود .

کلمه وزیست نهری

غلام هست آن ندعایت سوز که در کده صفتی گمبیا گرمی داند .

بر ایشی حریم ملک نهر را نره داشتن بر جود و غورش بر قناعت کاشتن به است قتل نهری

زیتین با سپاه دانهم انصاف و قهر دادم در جنگ صلح بودن شعار خویش ساختن که :

پادشاه مالک خلیف - صفحه مشق ماتم و مات : در توانائی کیت اینجا است که جهاد در فن

بامحبت در اخلاق زیست نهر مندان در هم می آمیزد و مرجع تقلید جامع اسلامی گرد و در

مقام آنان بری سالک اده دریا و دنیائی است که غیر توکل هیچ صریحی پسردن آن آهسته

و بدن سب است که گفته اند : راهبر و کر صد نهر دارد توکل بایدش .

در ایام تالیف جغرافیای تاریخی و تاریخ کرمانشاهان از آنجا که بهر اثری خطی در باب آن سامان است

سر تعظیم بر شیرازه نقش می صف دهم در کتابی شاید خاطرات حسن اعصاب قدسی خواندم که در

میرزا رضا در باغ یکی از رجال عصر ناصری در شمال تهران بر کناره جوی آب نشسته مشغول شقایق بود

و چندین صفحه رختسم کرده بر خاک نهاده بود و میزبان هر رسیدخواست که آن سیاه مشق با قلمی

قابل از او بستیاع نماید و کلمه استماع کرد و همین بطنه بادی وزید تمامی آن نوشته را در آب ریخت

یکی از حاضرین میگوید چنان قیمت نمدی تا خارج کی دو ماه خود را بابت فرہم کرد و جواب میگوید
 باد آب بہر بہر است تا قیمتی برایش تعیین کنم۔ محبت مشدی زکی و پلو خوردن اہل بیت میرزا حسین
 کہ بر بہر سربازاری بہت و محوم عبدلہ ستونی از نقل کردہ، شادرون اقبال آشتیانی در مجلہ یاد
 بہ نقل از آثار الانار اعتماد پلطنہ آوردہ است: ہنوز از دیوان عالی راتبہ ای نخواستہ جزایہ نگرفتہ
 و برگ و ساز معاشن ہی از اجرت کتابت می کنند بہنہر باز و حاصل سہرنبہ خوشین روزگار میگذرانند
 و کتبیانی می نویسند: میرزا چون در خط تعلیق سرآمد و شہرت یافت، ناصرالدین شاہ کہ تہنوت
 ہنرمندان تمایل داشت وی را احضار کرد و نوآزش نمود حتی گاہی نزد وی تعلیم گرفت و خواست کہ در
 وزارت انطباعات بکار کتابت بکار دہد ولی از آنجا کہ وی مردی بلند بہت آزاد منش و بی بند و بار
 و این بیابترین تفسیر بہت خواہ است کہ؛

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم با پادشہ بگوی کہ روزی مقرر است
 مہدی بامداد در رجال ایران آوردہ است کہ: میرزا رضا کلہر پس از مرگش در اراکی اورا جمعاً ۲۰۰
 قیمت کردہ بودند، در صورتیکہ ۴۸ تومان از بابت دو سال کرایہ خانہ مقروض بود.
 کلہر و انقلاب در آموزش خط و پی ریزی انجمن خوشنویسان ایران
 شخصیتی چون کلہر میتواند با استقلال مادی و معنوی خود مری الہی کہ در طول تاریخ آگاہانہ و بہ

اختصاصی کرده و محدودی گردید، با توانایی خویش از صورتِ حق بگونه‌ای مستقیم تغییر و دگرگونی بشری
 در برابر بی‌موجود می‌گوید: «هنر برخلاف گذشته یکی از شعبه‌های فنی و فنی‌نژادگی مرفه برخی
 از طبقات آسوده‌تر و ثروتمند و اشرافی نیست؛ برعکس پیش از مرد و جدی‌ترین ضروری‌ترین مسئله
 انسانی است. یک دینی است و یک حقیقت متعالی مقدس است که تجلیش بشریت است و این
 یک سالت مافوق مادی متعالی و صند صند انسانی دارد.»

میرزا در آن جو خفقان آلوده هنر و استبداد و انحطاط فکری آموزش داده‌های مستعذر به نوازش
 و تمرین در آن برج می‌دقت و طوکت بهنجاری نمی‌گیرد؛ خط به خط علاقه خودی نوین و خستنا
 گرچه از سلسله خاقان امیر و وزیر... بودند جز به شتاب خود آن کم با احیای و احراز و تمسک به
 هنر مندیش نمی‌درفت و توانست در یک قرن پیش گفته‌های شریعی را به‌ای خود جامعه عمل بپوشاند و هنر و نگاه
 بخانه محترم معلم بکشد و دوزانو بشاند و شاید ترنم او بود که:

آزاده دلان کوشش مایلش داد و ز حسرت و غم سینه بنالش داد

پشت هنران در شکسته است در یکن بنیران پشت مایلش داد

در آنجا است که لطفه انجمن خوشنویسان ایران بسته شد و نهال این درخت به‌منه‌بخت در تنگی
 به قول مستوفی: اطاق کاغذی که دیوار سمت کوچه آن نمناک و چند بار برای جلوگیری از رطوبت

بنائی هم بر رویش انجام شده تا با آزار خوردگی و رطوبت در دیوار تا نزدیک طاقچه نهی دست یک گوشه
حصیر شیرازی افشاده در گوشه دیگر گلی می کشند و در محل آفاق یک ^{بیمه} نندگی افتاده و ردی آن فرشی
برای دفع تراشه های قلم از نند ...

شاکردن کلمه

بقول شیخ علامه الله و رسنا:

هر رند که در مصطفی سکند
بوی زمین بوخت من در
هر جا که سیم گلیم آشفته دلی شاکردن است و خرقه از من در
مجموعه ای از اواسط الناس مشتاق و پست و پویا پسند نشیان خلف سلسله خوشنویسی میزد
بر خانی، میرزا زین العابدین شریف قزوینی، سید محمود صد و کتاب ...

پس از پدر پسران که چون دریا فرو رفت و گوهر برآمد سیدین جلیل القدر مرحوم استاد حسین میر خانی
رحمة الله علیه و جناب استاد حسن ادام الله بطول بقاء ارشاد در از غلوت بجلوت کشاند و محصل تعلیم
اسلاف ایه جابجمن نام نهادند و حال از شرق تا غرب از شمال تا جنوب ساکنان خوشنویسی قلم در
سماع دارند و نظاره آثار آنان در نمایگاههای ایران جهان تماشاگران ایه مزمره میسر کرد:

حسوه یار از در و دیوار درختی است یا اولوالابصا

و امروز کلام ربانی و آثار جادیدان ادب فارسی است که یکی پس از دیگری کلک نقش آفرین پالکا

طریق نهری عرفانی خوشنویسی اجاودانه می سازد و سیمای عرش آشنای اقلام طلعہ کتبت است که
در سیر پیشین همچنان ارزنده زرین است.

در باب علمت آستان فیرخی جناب عماد الکتاب شخصیت خارق العاده علمی و هنری او که بحق این
وادی میس التابین است زبان قلم قاصد باید گفت؛ گنجایش بحر در بسو ممکن نیست .
فضل و تسلط جناب کلمه در علوم ادبی بر کسی پوشیده نیست و از این نشان ادیب پشاور می در مجمع
دانشندان مشارالیه بین الاقران بوده چنانکه به عضویت هیئت مؤلفین مخزن الانشا برگزیده شده
که کتبات آنرا نیز به عهده داشته، او پیش از میت اثر ارزنده علمی و ادبی را برشته تحریر در آورده که در سر
نسخ موجود کربه طاقت و وسواس بکرم خلا و استنباطی نیست و سیمای مفردات و ترکیبات چنان
کمال صحت است که قلم از تحریر و منقح از تاثیر به خود می بالدد و چهره قرطاس پس از نوازش که مایه جاودانی
خرامی از نیش تیغ و درش سباده نیافته و بحق کاتبش از کرامت کرام الکاتبین بهره داشته
دی علاو به تسلط بر علوم ادبی و نبوغ علمی در هنر خط و خوشنویسی شعری سروده اکثر سیاه مشقها
موزونش از تراوشات طبع اوست که بر زبان قلم جاری شده است و تذکره پاریس گویا کنی و در باب
زیر را از او آورده است: رخت از پرده عیان می جویم شور در رکون و مکان می جویم
زلف مشکین از سر دوش چین چین بیه میان می جویم

کلمه و کتابت

حرکات لطیف و موج‌ظریف در کرسی کتابت ثانی کلمه را رعایت تمامی مقررات آن که در صلاح و زیبایی بیشتر آن اندیشه وسیع و ذوق او و حالت کامل داشته هر صفحه اش سندی جاویدان تا بلونی از قد و ایمان است که جمال آنهارا در آثارش گردان خلش عملی مخصوص جناب عماد الکتاب که بقول ناخضر شاید در محبتش تا بعیش تلقین کرده باشند می‌توان یافت کلمه و اخلاف هنری افکشندگان آسمان طرافت کتابت نقل طعه یا حلیا پی از استاد می صاحب نام برای شخصی آشنا به فن خوشنویسی پس از مدتی ممارست و مقابله و نقل گره به تمامی میسر نباشد اما به قرینه مقدور است چنانچه قطعات میرزا عباس پوری به نقل از حضرت میر عماد الحسنی قدس سره و... شاید مدح است اما کلمه کلمه می‌است که فیض الدمع و مخزن الانشاء و سفرنامه... را نوشته و جناب سیفی بدن جهت عماد الکتاب است که شایسته کتابت کرده و شادروان استاد حسین میر خانی بدن و علی‌الابد در توبرکات آفتاب است که کاتب جمعی المثانی بوده است استاد حسن بالقب سراج الکتاب مجموعه کتابش چاپخانه ایوان نمون است.

کلمه و دین سپاست

فعالیت تعلیم و آموزش هنری میرزا رضا عیسیان با آغاز مترو و بی‌لایش تبدیل و تغییر نظام اداره مملکت ادبی خاص است و سنگر تبلیغ و مبارزه کلمه هم مکتب تعلیمش نو و بی‌باک از هر کس و هر چیز کینه‌توئی!

«در مجلس مشق خود از سیاست حرف می‌دواز رفتار حکومت بون هیچ پرده پوشی آنچه را مخالف تصور
 می‌نمود نقادی می‌سکرد. بزرگترین گناه میرزا یوسف صدر اعظم در نظر میرزا درویش نازی و نبو، از
 امین السلطان بی اندازه فرست می‌کرد مثل همه که ما شاهینما که کلمه قربان ادر بار محبت و یگانگی
 بیشتر از احترام بکار می‌بردند می‌گفت. قربان تمام عادات نشست ناصرالدین شاه که در این اواخر
 از او به طور میرساند از رویه ای است که این مرد پدرش او آموخته اند، مخصوصاً خیلی از پول دادن
 بلا عوض امین السلطان به این آن نقادی کرده و می‌گفت. این مرد همه اهل این کشور را که اگر دو
 کلمه با نصفت زمان خود بگام بار به بران استین نصفت می‌ای عقیدتی مجبصر خود را محفل استقامت قیام
 حکومت استبداد و عادات و رفتار کنونی و دو ترمزدان متراود».

کلمه نمونی متدین و موطب زاهدی بدو از تصب بود و خبر به شیخ محمد نجم آبادی تقدیمی کرد و در بیان
 رهبران مذهبی تهران حاج شیخ مادی نجم آبادی از محارم سید جمال الدین اسد آبادی را دقتی تمام
 و تمام داشت. حاج شیخ مادی که میرزا رضا کرمانی قبل از ترور ناصرالدین شاه با او ملاقات کرد
 و او را در حبس بیان نامویش قرار داد و قبلاً نیز با شورت او و ملک خرجی که از سوی محوم نجم آبادی
 اخذ کرده خود را به استانبول رسانید و شرح بدخبتیهای خود را به سید جمال گفت و سپس سه
 استقامت و شجاعت مبارزه را برافراشت.

غروب خورشید

هنر اکنون همه در خاک طلب باید کرد ز آنکه اندر دل خاکند همه پُرسن
بالاخره خورشید عمرش ادر و بای تهران بغروب رسانید طبق اظهار مرحوم اقبال آشتیانی نقل
روزنامه ایران قدیم، شماره ۷۸۰ سال هزار و سیصد و ده هجری قمری در ۳۱-۳۰-۳۰ بیت پنجم
محرم در سن ۵۰ سالگی بدرود حیات گفت و آن ایام و انفسا که هیچ کس به یکپنفس نرسیده خست مکان
خاج شیخ هادی نجم آبادی توسط جمعی از خواص اصحاب خود به کاغذ گل و کفن و دفن اوقیام نمود و خاکی
آن مرحوم را در قبرستان محله حسن آباد محل اطفائیة حالیه که پس از ویران شدن آن کورستان
به جای آن نباشد به مصدق آتشی که نیر و همیشه در دل است به خاک سپرده شد
مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ماه پنهان در اول وصف نموده ایم

محمد علی سلطانی

منابع و مآخذ

- ۱- نظام ایالات صفویه، دهر بر بن، مجیکادوس جادار ۱۳- هنر برای موعود دکتر علی شریعتی
- ۲- محل التوارخ ابوالحسن کسائی ۱۴- احوال امار خوشنویس- دکتر محمدی بیانی
- ۳- تحفه العالم و ذیل تحفه عبداللطیف خان شیری ۱۵- فراموشخانه و فراموشی- اسماعیل زین
- ۴- جغرافیای ایرنج و تاریخ فضل کرمانشاه محمد علی قنطاری ۱۶- تذکره پارسی گویان کرد - بوره که یلی
- ۵- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران- د. سید نفیسی ۱۷- طرائق ابحاث ایتق
- ۶- حدیقه الشعراء دیوان سید میرزا محمد یون بکی شیرازی ۱۸- تذکره شعراء کرمانشاه - شاکری
- ۷- بهتنام دکتر عبدالحسین فیاضی ۱۹- ادبیات انقلاب در سده - صادق آینه‌دو
- ۷- مجمع الفصحا هدایت جلد ۴- صفحه ۳۴۳ ۲۰- مجله رستاخیز جوان- شماره ۹۱- نخبینه
- ۸- کیهان فرهنگی سال ۴- مهر ۵۶- ص ۵۵-۵۲ ۲۲- آریه‌بشت ۱۳۵۶- ص ۵۱
- ۹- زندگانی من - عبدالمستوفی ۲۱- طرائق ابحاث محمد مصوم شیرازی قمی
- ۱۰- مجله یادگار- اقبال آشتیانی- شماره نهم سال اول
- ۱۱- خاطرات من حسن اعتمادی
- ۱۲ رجال ایران - مهدی بامداد جلد ۲،



[illegible]



Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a page from a book. The text is dense and appears to be a mix of prose and poetry, with some lines being more prominent than others. The script is in a cursive style, characteristic of Persian calligraphy. The text is written on aged, yellowed paper. The overall appearance is that of a historical document.



«شان»
 محمد رضای کلهر:
 «آنجا که خامه شکر گشتار شکند»

در یافت احساس لطیفه، هنر، خصوص هنرهای تجسسی در ایجاد رابطه، پتیم و «دیدار» ممکن است
 به «وسطه» بیان یک سلسله قواعد تعاریف بر چند در جای خود برای تعلیم آموزش مفید تواند بود؛
 حق مطلب نمی توان اد کرد، مشایقه بهره مندی و لذت آذرو حی از آثار کامل لعیار و نظم کرد
 حضرت آدای، جناب فخر الکتاب میرزا محمد رضای کلهر، برای چشم پنا و دیده بصیرت بین قادیتر
 و شکر خدا که از مدد بخت کار ساز، نمونه های ارزنده ای از آثار و سپاه عشق های میرزا، با عنایت خدا
 و مساعدت و محبت دستان حامیان هنر و فرهنگ و مجامع انجمن در این قفر و خامه آمده و منظر
 صاحب نظران و شیفتگان هنر قرار دارد، و این بنده بخاطر استغاده هنر جوایان مبتدیان ارضی شد
 درباره ویرگهای خط، میرزا در حد تجربه مختصر خود اشاره ای داشته باشم. هر چند در این مقام حق کلام
 بهمان است که حضرت مولانا عارف و شاعر بزرگ ایران در کتاب شریف ثنوی بیان کرده است
 حاصل اندر وصل چون قادیتر و سگشت دلاله پیش مرده بود

چون به مطلوبت سیدی ای طبع
شد بکارِ علم کسوفِ قیج

چون شدی با بهای آسمان	سرد باشد جستجوی زردبان
جز برای یاری و تسلیم غیر	سرد باشد راهِ حینر از بعدِ خیر
آینه روشن که شد صاف جلی	جل باشد بر نهادنِ صیقلی
پیش سلطانِ خوش نشسته در بل	زشت باشد جستنِ خط و سول
آن یکی را بر پیشِ خود نشاند	نامه بیرون کرد و پیشِ بازو نشاند
بیتها در نامه و مدح و ثنا	زارای و پکینی و بس لاله ها
گفت معشوق این اگر بهرین است	گاه وصل این عشر ضایع کردن است

من پشتِ حاضر و تو نامه خوان

نیست این باری نشانِ طشتان

بعد از این مقدمه که از اشعار آسمانی مولانا تبرک و آبرو مند شد به همان قیامت بهره مندی بهر جوان

نگاه کوتاهی به پیشینه کتابت

خواهم داشت .

در اهمیت کتابت

کتاب و کتابت تاپیش از عصر جدید تنها وسیله مؤثر برای اشغال فراغت یا حفظ موارث و معارف بشری بوده و امر کتابت در خدمت نسخه های انحصاری نخست شمار قرار داشت که بواسطه کاتبان و خوشنویسان بر حسب تحریر و نگاه برای تزیین و تشعیر بدست استاد فن آراسته شد و در کتابخانه های معتبره بعنوان سند اعتبار و شخص نگهداری میشد و بعضی اوقات مورد مرجع استفاده میهن گان و اثره قرار می گرفت به همین جهت کاتبان خوشنویسان یکی از ارکان مؤثر و همگی آن روزگار بوده اعتبار و ارزش و احترام عزت خاصی داشتند.

پس از اختراع چاپ و حروف سربی و فعلیت قابل ملاحظه و کاربرد وسیع آن و عمومی شدن دانش و فراغت نقشبند کاتب و خوشنویس و وظیفه و اثره مبدل شد و نسخه های خطی که دارای ارزش هنری علمی و جذبه صورت موارث فراوانی و نمونه و مرجع دیگری به حساب اعتبار خود حفظ کردند. ظهور چاپ که در ایران یکصد و پنجاه سال پیش بر سیکر و دگر در آغاز و رود به دنیا کتابت و کتابت واپس گرانی بعضی از هنرهای سنتی را در بر داشت و زکود بازار این هنر کمینال موجب گردید مکن به دلیل بیکی و سابقه تاریخی هنر خط و همراهی و به سر زنی آن با فراغت و ادبیات و عرفان این سرزمین میری پناهند که جایگاه و اثره خود را باز یافت و در غیاب و بی

باز هم عمده دار توسعه و تعمیم و شاعه فرهنگ گردید .

کمی بعد از پیدایش نهضت چاپ سنگی و شیرفت این صنعت در ایران مصادف بود با دوره حیات نبرنگ
«خوشنویس» شعلیق، محمد رضای کلهر که او توانست خلاء حاصله از بروز تحولات اخیر را با حضور پربرکت
خود در عرصه خوشنویسی ایران بهره‌ی از اسطعد و شگرف و توانائی کم نظیر خود پر نموده ضایعات
ناشی از تهاجم ماشین اجبرن نیاید، او توانست به کامی لازم را با آهنگ سریع جدید خود آرد و
خوشنویسی را با حفظ ارزشهای آن، که یکی از موارث گرانبهادرین مرز و بوم بود، یک چاپ سنگی به
عرصه جدید که به سرعت کل جامعه رسید و منتقل کند، و شاگردان مستقیم و غیر مستقیم مکتب او توانستند
موج این حرکت مطلوب «بهرای چاپ خوشنویسی» را دوام و استمرار بخشند،

این نکته جالب توجه و شایان وقت است که شیوه جذاب جدید کلهر چاپ نوشته را پایه گذاری کرد و با
مکتب او همان و شش ااومه دادند تا امروز که تاثير آن در کار اکثر اساتید و خوشنویسان معاصر
مشاهده می کنیم . اما اگر تصور کنیم این تقارن مبارک اتفاق نمی افتاد بطراوت حرکت بالندگی
این نبر شاید به سرعت امروزی و یا به نرود او محدودیت چار میشد و حق خدمت کلهر بر فرهنگ ایران
از این جهت فوق العاده یاد است و بیجا نباست اقتضای مطلب از نام درخشان نبر مندی نظیر
بزرگ ۵۰ سال بعد کلهر، مرحوم محمد حسین عابدی کتاب نام میریم که در مقال مکتب با شیوه مخصوص نهم عمده دانسته

نگاه کوتاهی بخط پیعلق

بطوریکه از تذکره احوال خوشنویسان آثار باقیمانده از آنان پستفاد می شود خط پیعلق در آن نه تنها
طلایی آن که شحون از طرفت زیبائی و لطافت شادابی و رفتار و چرخش و ریش و قص کلمات
و بدیل سازگاری آن با زبان پارسی در شرایط خاص تاریخی و اجتماعی در خد و مقصد سالن
دیران بوجود آورده و هنرمندان این سرزمین در طی قرن هفده و دهم توان خوش و مصروف و تکمیل
تیمم آن نمودند. نحوه سبکی آن روشن نیست اما میرعلی تبریزی را تاریخ به عنوان واضع خط نامید
و شواهد نشان میدهد که خط پیعلق بدست او قانونمند شده و کمی بعد بوسیله سلطانعلی مشهدی جلوه
و جمال بیشتری پیدا می کند و چند دهه بعد نوبت به نرغابی میرعلی بروی میرسد بنظر هنرشناسان
تا آن زمان تمامیت و پیراستگی بیاید، قلم کتابت توسط هنرمند و استاد معتبری چون بابا صغری
پنجتکی و آراستگی پیدا می کند، و خط پیعلق در مقام خط رسمی ملی ایران پایگاه بلندی کسب می کند.
«یادآوری این اقیست سزاوار خواهد بود که در این دوره کاتبان هنرمند و کرافتوری ظهور کردند که هر یک در حد
خود قدمی برداشته و این کاروان به سر منزل مقصود نزدیکتری کنند چون نظر بر خضار است از بابا
به عنوان نمونه یاد می شود، خط او در کلمات و اندام معتدل محکم و طریف و طرح و تنظیم دلپذیر و صاف و صوفیه بود
توجه اهل نظر می گردد، تا زمان میرعماد فرایسد که عروس خطوط اسلامی بپست پیعلق بدست توانی

«که به حق و به اتفاق جمیع هنرشناسان القاب پستاد و لاسایتید، پستاد کل سیرفراز است و همه
 سالکان این طریق مبارک بعد از او متفخرند که از وی بعنوان حضرت استاد ی یاد کنند»، در مجله نجات
 با سکو و خود جلوسی مجد نمود و چشم پارتستان اجمال خود خیره ساخت چنین شد که با ظهور آن
 سیرنگالی خط و خوشنویسی شتاب و سرعت بیشتری پیدا کرد و تاثیر هنر و کتب و بقدری وسیع عمیق بود
 که تا حدود سیصد سال بعد قبل از پیدایش کتب کهن، همه زاده الهام می گرفتند و گروشیع وجودش
 می کردند و اگر نبود نسبت صدین سال میرزای این بود که اولین اثرش میاد بود، بنام نامی و پسر
 شود. یادآوری نام گرامی بزرگانی چون آقا فاضل شیرازی، میرزا علی نقی شیرازی خانواد
 بزرگ و برجند وصال محمد حسین کاتب السلطان پروان کتب میرعمادی و بزرگانی چون میرزا
 که در همان کتب معاصر کهن بود، با قدرت فوق العاده و آثار معجزه آسا چون خورشید نشان، حسین
 که هر یک در سیر استگنی و تنوع شیوه مؤثر بودند و از خداوند طلب غایت می کنیم که به سئوالان
 این توفیق امر محبت فرماید که در فرصت بنابست نسبت به همین عزیزان در جهت تحلیل از مقام شایسته
 و معرفی و سپهر و دقیقتر آثارشان انجام وظیفه نماید و همچنین در مورد معرفی و بزرگداشت استادان
 خطوط نسخ، ثلث و سبک که در غنای فرهنگ اسلامی کشور عزیزمان نقش عمده داشته اند
 وظیفه و علاقه بیشتری باید وجود داشته باشد به سخن خود باز میگردیم با آرزوی اینکه با برنامه و تدویم، در این باب

باقصصرت چکند دست مدی طهور کلهر
خائل که میدیدم ذوق و هفت اردب

با طهور کلهر کتاب زین نهر خوشنویسی ایران با سر نجه نهر مند و توانای او ورق خورد و این خلف شایسته
لیاقت خود را به عنوان میراث از گنجینه با ارزش و پرعیا این نهر نشان داد و چون پلی گذشته را به زمان
خود آینه پویند داد. ادبی نگار در امر کتابت بردست مادر دمی از جندی که توسط استادان مشین
کسب شده بود. چیزی. افزود و میدت که در یک نهر دقیق و مضبوط چون خط نستعلیق تغیر
ثبت نهر خچم و اندک بسیار دشوار است و قدیمی فراتر از قهرمان نهر کی چون میر عیسی «در کتاب»
تنها از عهده کسی برمی آید که دست قادر متعال عشق و بهمت است عددی ثرف در وجودش بود
گذشته باشد این بنده یارل بودم که از روشهای تطبیقی و بالکات فیلم و عکس و عینیت بخشیدن
و مصور کردن لطائف و دقایق و انتقال آن نهر جوایان استفاده کنم تا وجه اختلاف یا اشتراک شود
قدیم و جدید بهتر نمایانده شود. اما در فرصت کم تا بر پائی نگه میسر نبود امید که این آرزو در آینده محقق
عمل نباشد. و در این مجال در حد نوشتار به بعضی نکات اشاره خواهم کرد:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

نسبت «اصلی»

نسبت که شاید نخستین قاعده از قواعد دوازده گانه خط نستعلیق به شمار آمده و در واقع رشته تعادلیست

در بکلیه ارکان اجسده و اندام حروف و کلمات تاثیر و تسری دارد. البته این مسئله دربارهٔ تریب
 کرسی دیگر قواعد نیز چون حلقه‌های پنجره‌پند ارتباط دارد اما دعوت ارتباط کلمات و حروف تحت عنوان
 نسبت از جهت لفظی نیز مناسب است. اردو به حال انتخاب کلمه برای ادای مقصود است. «با این توضیح که تقسیم
 تدریجی و متناسب ضخامت (قوه) و چگونگی حفظ رابطه و پیوند مطلوب و پذیران با ضعف، که بهمان
 نازکی زبان قلم باشد، و در مرحله بعد از تمام کار تحریر حرف و کلمه نحوه ترکیب و کیفیت جلوت و خلوت
 و سواد و بیاض و طرح و بافت مطر و صفحه نیز به عنوان تعریف و سיעری از نسبت بدست داد.
 توضیحات بالا از لحاظ بعضی شاید نوعی تعریف شیوه محسوب شود؛ بهر حال میرزای کلمه توانست در
 به خصوص در آثار بعد از هزار و دویست نو که از او بیا و کار مانده، تکامل ایجاد کند. این مطالب از
 بزرگوار خود، مرحوم خلد ایشان جناب آقا سید حسین حضرت استاد آقا سید حسن آقا شیرخانی علی‌علما
 شنیده دیده ایم؛ که میرزای کلمه، دویر را کو چکتر کشید تا کو تا بهر و دندان را گوشت دار تر و قاصه
 پیوند و حرف، که کلمه زیاده، موصلات اکو تا بهر و چاق و نوشت و نتیجه قالب با طرح کلمات
 که بدست استادان پیشین طی چند قرن اعتدال انجام و استحکام یافته و از سرچشمه ذوق به آب
 الماس دیده پرده خسته شده بود. با چربستی و خط صافی و صلابت کوئی در ظرف آن خفته از سر و غن
 مذاق که ناشای فرود برده به کلمه یک پهلوی و لطیف افزود و ملاحظت حلا و تریب بلیقه خود تحت چشم جلوه جدید

در کتب که اساسی ترین اولین شرط و اصل در هنر خوشنویسی شمرده شده و ملاحظه آثار کهن درمی یابیم که این اصل و قوف کامل داشته و در آثار دوره ابتدای او هیچ سهواً شباهتی خود ندارد و این سخن در مقام سکر و پیماس از او یاد آوری کامل است که همه ما خوشه چین بوده ایم؛ و اما در کرسی بنده به یک امتیاز فراتر دست پیدا کرد و از خط حال یا میزبان، بهتر استفاده کرد؛

در ردیف نویسی که حروف در یک سطر و بندها هم و منگلی بر خط کرسی بستند خط او دارای استواری کامل بوده و مجاورت کلمات ناممکن با استفاده از لطیفه حسن وضع و حسن تکمیل، به نفع و انس و هماهنگی و همگونی تبدیل گردید. در روش بهره گیری از دو کرسی یا بیشتر نیز با قریح بیانند و کلمات به هم میزنند و در زیر و بالای خط کرسی غلطان رقصان شدند بن اینگونه بافت طرح کلی آنها هنگام نوشتن امتیاز دیگری که در آثار با کمال میز را ملاحظه می شود و موجب انبساط و سرور باطنی بنیده می شود و در حقیقتی تکلفی خط او است؛ چنانکه انقباض شدید حاکم بر خط است و تعلیق را با مهارت و تسلط فوق العاده و انانی و نرمی عجیب ساخته که بنشیند و دیدن خط او این توهم چهار شود که «بله منم می توانم اینطور بنویسم» البته میدانیم که عملاً چنین نیست و این درست مانند شیوه سهل و مستعار سعدی است که سالک را در سر فریب بندها میکشد و خلاصه از تماشای صفحات شکین معطر خط او در بنشیند همان احساس موجود می آید که وقتی به او تازه می رسم راحت نفس میکشیم انقیاد و تکلف نمونه های ارزنده سیاه مشق و کتابت او حس نمیشود.

تراش قلم

از امتیازات مخصوص میرزا که مورد اتفاق اساتید و صاحب نظران است نحوه قلم تراشی است که نتیجه
 بهوشمندی و تجربه چاپ سنگی نویسی او میتواند باشد. کلام: انحراف زبانه «دم قلم» را زیادتر کرد و زحمت
 «جرم» ستوی «یا متوسط» زبانه را به متوسط یا بله محرف تغییر داد که سرعت تحریر را تا این میسر کند
 نتیجه طبیعی آن ایجاد دو در بیشتر در خط می شود. برای اعمال نظر در میزان کار برد «قوه مجاری» در دست
 طرفین چپ راست «وجه» روی قلم را باله چاقو بسته خیلی کم برداشت، وجهت پهن
 ضعف سوزنی «در شتر» گوشت قلم را بیشتر قرار داد. اضافه شدن گوشت در قلمهای شش
 قلم کتابت و غبار بسیار کم بوده است به آرایش ظاهر قلم نیز بهت میداده این صورت که طرفین
 قلم خالی شده به اصطلاح بال کبوتری بوده است. طول میدان قلم، نوع جنس قلم از بابت سختی و نرمی
 حالت و فرم پنج با نوع کاغذ که منتهی یا صاف صیقلی و آمار مرده شده باشد. وضع کیفیت مرکب در
 با کاغذ و میزان مرکب برداری، تناسب و با دانست قلم همه مورد توجه و تشخیص دقیق میرزا بوده است
 نکته دیگری که از خطوط میرزا و اساتید بزرگ استنباط می شود کیفیت قط زدن است که در این مرد استجاب
 اندازه تیغه چاقو برای خالی کردن میدان قلم، تیغه کوچکتر و قط زدن از تیغه بزرگتر است پیاده کرده اند
 و میزان فوس قط زدن مورد نظر بوده لبه چاقو در وقت قط زدن عمود بر پشت قلم نبوده بلکه اندکی چاقو

بهت بدن تمایل بوده - با این توضیح که اگر زبان قطره اردی یک صفحه کاملاً افقی قرار دهم
 قلم بحالت عمودی بر صفحه خوابد است و بسیار کم به نحی که وجه قلم قرار دارد و تمایل خواهد شد نحوه قطره
 مقدار گوشت قلم، میزان مناسب انحراف قطره که معمولاً متوسط توصیفه شد، می تواند راه طولانی
 و شوار تحصیل خط را کوتاه تر کند - بهت این نکات وقتی بهتر روشن شود که خط و مش بعضی از خوشنویسان
 مشاهده می کنیم که پس از عمری حمت بخاطر عدم اطلاع یا رعایت نکات فوق نتوانسته اند خط را
 بجائی برسانند (به موری چون جوهری از استادم و حضوی یا کبیری یاد استن است عدد و دیگر شمره
 چون موضوع بحث نیست اشاره نشد).

آموزش سهل آسان

از مهمترین آثار خدمت و کتب کلمه امکان آموزش سهل آسان هنر جوایان را این شیوه است به طوری که
 در مدت سه تا چهار سال خط آنها از آب و گل درمی آید، دلیل این شرفیت سریع امکان نیت دیدن
 نحوه قلم گذاری این استاد بزرگ است که برخلاف گذشته تغییرات گردش قلم در دور محض است و در
 کیفیت و چگونگی آن ای هنر جوایان مبتدیان شوارست و شاید همین جهت سالها طول می کشید تا
 کسی بتواند از مقدمات فراگیری خط عبور کند، در شیوه کلمه این فرصت بوجود آمده است نکته جالب این که
 این خاصیت بدن طمعه به دور در خط است و همین تمایز از احوال مؤثر را برج شدن شیوه جذاب میرزا

آثار کلمه؟

در مقالات این دفتر به آثار میرزای کلمه که کتابها، سیاه مشقها، و تقویمها و... باشد اشاره شد اما نکته ای که اغلب مورد پرسش هنرجویان است این بنده تا حدی جوابگو بوده ام؛ خالی بودن جای قطعات و جلیپانگاری در آثار اوست با عنایت به این مطلب که می دانیم، از قدیم لایا کتبت غنچان پایه و اساس قوام دهنده خط محبوب است اما جلیپانویسی برای نشان دادن برج هنر خوشنویسی از جانب استادان طراز اول مورد توجه بوده هنرجوی علامه شتاق است دلیل این کمبود را بداند، مختصر آنکه، طبع بلند میرزا به سادگی به نوشته ما و تمرینات خود قانع نبوده و سیاه مشقها به ندرت و در پایان کتابها بعضی موارد در هنر نوشتن نام و مضایب بوده اما تا میل طنبی و نوشتن قطعات بصورت پاکنویس از سیاه مشقهای متعدد او که همان شعر و عبارت جلیپایی عماد تمرین کرده است احساس می کنیم، نتیجه اینکه حسن طبع بلند، انصاف و نیز به نوشتن قطعه ضایعی در چه؛ شاید با ملاحظه قطعات بعبار و معجزات میر، خط خود را در حد و نحوه نمیدیده است.

اشاره به این نکته نیز مناسب است که دوره کارآموزی، تا حدودی سرآمده و دیگر استاد خوشنویس این امکان فرصت انداشته که روزها و روزها برای تمرین تحریر یک قطعه شش و هشت و نهم و... صرف وقت نماید، و همچنین شکوه و قدردان شاه عباس صفوی و ابراز علاقه و شمع بدست گرفتن و

با وضع و شرایط دربار ناصرالدین شاه قاجار متفاوت بوده است .

علاوه بر اینها سیلغه یک هنرمند امر تعیین کننده ای است، میرزای کلمه طبعاً به کتابت و سیاق
مایل بوده است و تار و زری پایان عمر بابرکت خود ترجیحاً برای پیدا کردن طرح بهتر و کامتر
کلمات نگاه، روزها و هفته های یک حرف یا یک کلمه را تمرین میکرد . روشش شاد و یادش گرمی .

علامه حسین نجفی
۶۸



عقاید و آرای صاحب نظران و مقالات آنها در این باره مانند از جمیع جهات چه بعد از هنری
شخصیت مروج و چه کیفیت نگارش بر سرش مقالات و نظرگاه نویسندگان آن نامی باشد.